

# The Role of Britain in Zil-al-Sultan's Political Fate after his departure from Iran, Based on the Archival Records of Foreign, Commonwealth and Development Affairs of the United Kingdom (1908-1916)

SeyyedMasoud Seyyedbonakdar<sup>1</sup> | Masomeh Pazhoeshniya<sup>2</sup>

## Abstract:

**Purpose:** This study aims to investigate and explain the policies adopted by Britain towards Zil-al-Sultan «after» he was forced to leave the country, based on the Archival Records of Foreign, Commonwealth and Development Affairs of the United Kingdom.

**Method and Research Design:** Archival records were studied and analyzed in a descriptive and analytical way.

**Findings and conclusions:** There are diverse factors that Britain intended to support returning of Zil-al-Sultan to Iran while he was living in Europe. Among which are Britain's hope for enjoying the benefits of Zil-al-Sultan's government as a powerful governor in Fars or Isfahan, preventing the ever-increasing influence of Germany in southern parts of Iran during the World War I, and confronting the Russia's domineering behaviors in these areas. Furthermore, the opposition of Bakhtiari Khans to Zil-al-Sultan's presence in Isfahan was the main reason that Britain prevented his return.

**Keywords:** Zil-al-Sultan, Constitutional Revolution, Archival Records, Britain.

**Citation:** SeyyedBonakdar, S., & Pajhooheshnia, M. (2023). Investigation and Explanation of the Role of Britain in Zil-al-Sultan's Political Destiny after his departure from Iran, Based on the Archival Documents of Britain Foreign Office (1906-1918). *Ganjine-ye Asnad*, 33(1), 78-115. doi: 10.30484/ganj.2023.3051

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (corresponding author) sm.sbonakdar@lrc.ui.ac.ir  
2. MA in History of the Islamic Period, University of Isfahan, Isfahan, Iran m.pajhooheshnia@yahoo.com  
Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«129»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3051

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.1, Spring 2023 | pp: 78 - 115 (38) | Received: 23, Apr. 2022 | Accepted: 23, Dec. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

# نقش بریتانیا در سرنوشت سیاسی ظل السلطان پس از خروجش از ایران (۱۳۲۶-۱۳۳۴ ق) براساس اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا

سید مسعود سیدبنکدار<sup>۱</sup> | معصومه پژوهش‌نیا<sup>۲</sup>

## چکیده:

**هدف:** این پژوهش در نظر دارد با تکیه بر اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا، سیاست‌های اتخاذ شده از سوی این دولت در قبال ظل السلطان، «پس از» خروج اجباری او از کشور را بررسی و تبیین کند. **روش/رویکرد پژوهش:** این پژوهش رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد و بر مبنای اسناد آرشیوی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه گیری:** حمایت کردن و حمایت نکردن بریتانیا از بازگشت ظل السلطان به ایران طی دوران اقامتش در اروپا، به عوامل متعددی وابسته بوده است. امید بریتانیا به برخوردارشدن از حمایت ظل السلطان از منافع این دولت در مقام فرمانداری مقتدر در فارس یا اصفهان، جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمان در جنوب ایران در خلال جنگ جهانی اول، و نیز مقابله با اقدامات سلطه‌جویانه روسیه در این مناطق، از جمله مهم‌ترین عوامل حمایت بریتانیا از حضور مجدد ظل السلطان در ایران بوده‌اند. عمده‌ترین دلیل حمایت نکردن بریتانیا از بازگشت ظل السلطان را نیز می‌توان مخالفت خان‌های بختیاری با حضور ظل السلطان در اصفهان و تهدید شدن بریتانیا از سوی این خان‌ها دانست.

**کلیدواژه‌ها:** ظل السلطان؛ انقلاب مشروطه؛ اسناد آرشیوی؛ بریتانیا.

**استناد:** سیدبنکدار، سید مسعود و پژوهش‌نیا، معصومه. (۱۴۰۲). نقش بریتانیا در سرنوشت سیاسی ظل السلطان پس از خروجش از ایران (۱۳۲۶-۱۳۳۴ ق) براساس اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا. گنجینه

اسناد، ۳۳ (۱)، ۷۸-۱۱۵ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳.۳۰۵۱

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)  
sm.sbonakdar@ltru.ac.ir  
۲. کارشناسی ارشد تاریخ دوره اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
m.pajhoeshnia@yahoo.com



## گنجینه اسناد

۱۲۹

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳.۳۰۵۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۲ | صص: ۷۸ - ۱۱۵ (۳۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

مسعود میرزا (۱۲۶۶-۱۳۳۶ق/۱۸۵۰-۱۹۱۸م) پسر ارشد ناصرالدین‌شاه (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۹)، از مادری غیرقاجاری زاده شد؛ از این رو حق ولایتعهدی از او سلب شد (سعادت نوری، ۱۳۴۷، ص ۱۲). قلمرو حکومتی ظل‌السلطان در غرب و جنوب ایران، و جزو مناطق تحت‌نفوذ بریتانیا بود (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۴، ص ۷۸-۸۵)؛ همین موضوع موجب نزدیکی ظل‌السلطان به بریتانیا شد (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۴۶). توسعه مداوم قلمرو ظل‌السلطان، سبب توجه بریتانیا به او شد؛ چراکه اضافه‌شدن هر ایالت به این قلمرو، به معنای اضافه‌شدن ثروت و قدرتی بیشتر برای این شاه‌زاده بود. از نظر بریتانیا، ظل‌السلطان کمتر از شاه نبود (Walcher, 2008, p61).

ظل‌السلطان در دوران مشروطه، در جبهه مشروطه‌خواهان قرار گرفت و به حمایت از آن‌ها برخاست. این اقدامات، به همراه چشم‌داشتی که از دیرباز به تاج‌وتخت داشت موجب شد تا محمدعلی‌شاه بنای دشمنی را با او بگذارد (کسروی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۶۵۷). سرانجام کار به آنجا رسید که ظل‌السلطان ناگزیر شد کشور را ترک کند و در اروپا اقامت کند.

این پژوهش به دنبال آن است تا با مطالعه اسناد وزارت خارجه بریتانیا، سیاست‌های این دولت در قبال ظل‌السلطان در «پس‌از» خروج او از کشور را بررسی و تبیین کند. هدف از این پژوهش یافتن پاسخی مستند برای این پرسش است که سیاست‌های بریتانیا در قبال مسائل داخلی ایران، چگونه بر سرنوشت سیاسی ظل‌السلطان در دوران تبعید او نقش داشته‌است؟ رسیدن به این پاسخ، مبین این امر خواهد بود که این دولت چگونه از مهره‌ای کنار گذاشته‌شده در ایران، در جهت منافع خود بهره‌برداری کرده‌است؟ پژوهش‌های موجود، ظل‌السلطان را تنها در زمان حضورش در ایران رصد کرده‌اند. اهمیت پژوهش حاضر آنجا نمایان‌تر می‌شود که به سرنوشت سیاسی ظل‌السلطان در دوران اقامتش در اروپا می‌پردازد.

## ۲. پیشینه تحقیق

دهقان نیری (۱۳۸۰) روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان» را بررسی کرده‌است و بر مبنای آن برخی از حوادث اصفهان در دوره حکومت ظل‌السلطان را شرح داده‌است. رجایی (۱۳۸۴) اقدامات ظل‌السلطان در بعد از مشروطه تا زمان خروجش از کشور را بررسی کرده‌است. کاردان (۱۳۸۴) به توصیف عملکرد سیاسی ظل‌السلطان تا زمان مهاجرتش به اروپا پرداخته‌است. جلالی (۱۳۸۵) اقدامات سیاسی ظل‌السلطان برای دستیابی به تخت سلطنت تا زمان مشروطه را بررسی کرده‌است. خدیری‌زاده (۱۳۸۷) پیامد سیاست بریتانیا بر انقلاب مشروطه بعد از قرارداد ۱۹۰۷ را مطالعه کرده‌است. پژوهش مذکور، رویکرد بریتانیا

۱. به نقل از اسناد وزارت خارجه بریتانیا،  
آرشیو دفتر هندوستان:

No.32, 25FEB1882, IOL/P&S/32  
No.128, 28JUNE1881, IOL/  
P&S/9/184



در قبال مشروطه خواهان را به صورت کلان بررسی می کند و به روابط این دولت با شخص ظل السلطان نمی پردازد. فولادی (۱۳۹۳) به بررسی نقش دولت های روسیه و بریتانیا در دو جنبش تنباکو و مشروطه پرداخته است. این پژوهش نیز نقش روسیه و بریتانیا در دو جنبش مذکور را به صورت کلی بررسی می کند و به شخص ظل السلطان در این دوره اشاره ای ندارد. ابطحی، جعفری، و نورائی (۱۳۹۶) مداخلات بریتانیا، روسیه و آلمان در اصفهان طی جنگ جهانی اول را بررسی کرده اند؛ ولی به صورت مشخص به تأثیر این دخالت ها در سرنوشت ظل السلطان نپرداخته اند.

### ۳. اسناد مورد استفاده

اسناد مورد استفاده در این پژوهش، اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه بریتانیا هستند که در آرشیو دفتر امور هندوستان نگهداری می شوند و بخش زیادی از آن، امروزه از طریق سایت «کتابخانه ملی قطر»<sup>۱</sup>، در دسترس عموم قرار گرفته است. این اسناد چگونگی حیات سیاسی ظل السلطان را از زمان خروجش از ایران تا بازگشت مجددش به کشور طی هشت سال (۱۹۰۸-۱۹۱۶م/۱۳۲۶-۱۳۳۴ق)، بر ما روشن می سازند. این اسناد هم چنین روابط بین بریتانیا و ظل السلطان طی سال های تبعیدش را تبیین می کند و عوامل ممانعت بریتانیا از بازگشت ظل السلطان به ایران پیش از این زمان را آشکار می کند.

### ۴. ظل السلطان و ترک وطن

با امضای فرمان مشروطه، ظل السلطان به یکی از حامیان مشروطه خواهی و تشکیل انجمن ایالتی در اصفهان تبدیل شد. او به جلال الدوله، فرزند خود دستور داد تا انجمنی سری تشکیل دهد و در آن علیه شاه فعالیت کند (دانشور علوی، ۱۳۳۵، صص ۱-۲). همین اقدامات بود که باعث شد در ماجرای ترور محمدعلی شاه، ظل السلطان به عنوان یکی از مظنونان اصلی شناخته شود (No.107, 26MAR1908, IOR/L/PS/20/260, p152).<sup>۲</sup> سرانجام تیرگی روابط بین شاه و ظل السلطان تا آنجا پیش رفت که او ناگزیر کشور را ترک کرد. ظل السلطان در ۱۳ اوت ۱۹۰۸م/۱۵ رجب ۱۳۲۶ق از اصفهان به تهران رفت و بدون اقامت در تهران، کشور را به مقصد اروپا ترک کرد (کتاب نارنجی، ج ۱، ۱۳۶۷، صص ۲۷۷).<sup>۳</sup>

### ۵. سلطه بختیاری ها در اصفهان و پیامدهای آن برای ظل السلطان

فتح اصفهان به دست بختیاری ها (۱۹۰۹م/۱۳۲۶ق) به مسلط شدن خان های این طایفه بر اصفهان و شروع حکومت آن ها در این شهر منجر شد. بر اساس اسناد بررسی شده

۱. برای آگاهی از نحوه ارجاع به اسناد آرشیوی در این پژوهش، به پیوست ۲ مراجعه کنید.

۲. تلگراف هارتویگ به وزیر امور خارجه روسیه مورخ ۱۱ اوت ۱۹۰۸م/۲۳ رجب ۱۳۲۶ق.



در پژوهش حاضر، حکومت بختیاری‌ها در اصفهان، نقشی کلیدی در تعیین سرنوشت ظل‌السلطان طی سال‌های بعد از آن ایفا کرد؛ تا آنجا که می‌توان گفت یکی از دلایل عمده در به تأخیر افتادن بازگشت او به ایران محسوب می‌شد. براساس اسناد مورد مطالعه که در بخش‌های بعدی ارائه خواهند شد، عمده‌ترین دلیل مخالفت بریتانیا با بازگشت ظل‌السلطان طی سال‌های اقامتش در اروپا، مخالفت سران بختیاری با بازگشت او بود.

در این‌جا، دو پرسش اساسی مطرح می‌شود:

۱- چرا بختیاری‌ها با بازگشت ظل‌السلطان به ایران مخالف بودند؟

۲- چرا بریتانیا از تیره‌شدن روابطش با بختیاری‌ها نگران بود؟

از آنجا که این دو پرسش در موقعیت‌های مختلف در طی سال‌های زندگی ظل‌السلطان در تبعید، مطرح می‌شوند و به‌کرات سرنوشت او را رقم می‌زنند، لازم است همین‌جا به آن‌ها پرداخته شود و پاسخ آن‌ها را بیابیم.

با هدف تبیین پرسش اول، باید به خصوصتی دیرینه بین خان‌های بختیاری و ظل‌السلطان اشاره کرد که به دوران حکمرانی او در اصفهان برمی‌گشت. در سال ۱۲۹۹ ق/۱۸۸۲ م، حسین‌قلی خان -ایل خان بختیاری- در دربار ظل‌السلطان به قتل رسید و دو پسرش نیز به زندان افتادند (سردار اسعد و لسان‌السلطنه سپهر، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳). ظل‌السلطان طی سال‌های بعد، هرآنچه از دستش برمی‌آمد در جهت غارت اموال ایل خان مقتول و تحقیر فرزندان او انجام داد. او همواره تلاش داشت بین طایفه بختیاری نفاق و دودستگی ایجاد کند تا از قدرت آن‌ها بکاهد (سردار مریم، ۱۳۸۲، صص ۳۱-۳۲؛ ظل‌السلطان، ۱۳۳۸، ج ۲، صص ۶۵۷-۶۵۸؛ گارثویت، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷).

درباره پرسش دوم لازم است سوابق روابط بین بریتانیا و خان‌های بختیاری بررسی شود. براساس مطالعات انجام‌شده بختیاری‌ها در چهار محور کلیدی در جهت حفظ منافع بریتانیا در ایران نقشی بسیار مهم برعهده داشتند که عبارت‌اند از: رقابت بریتانیا با روسیه در مناطق جنوبی ایران؛ امتیاز کشتیرانی بریتانیا در رودخانه کارون؛ جاده کاروان‌رو بختیاری (لینچ)؛ استخراج نفت جنوب.

بریتانیا در این زمان سعی داشت تا از نفوذ روسیه در مناطق جنوبی ایران جلوگیری کند. در راستای این سیاست، این دولت برآن شد تا با قبایل جنوبی ایران روابطی دوستانه برقرار کند و این قبایل را به‌عنوان سدی در مهار پیشروی روسیه به‌کار بگیرد. براین اساس، روابط خود را با خوانین بختیاری و با شیخ‌خزعل گسترش داد و آن‌ها را تحت حمایت خود درآورد. تسلط بر رود کارون نیز از دو نظر برای بریتانیا حائز اهمیت بود: از یک طرف به توسعه نفوذ سیاسی و نظارت بر نواحی جنوبی ایران کمک می‌کرد و از طرف دیگر،

۱. این رویداد در منابع زیر نیز ذکر شده‌است:

سردار مریم، ۱۳۸۲، ص ۳۱؛ سردار ظفر، ۱۳۴۲، ص ۱۹۶؛ عکاشه و ضمیمه‌الدوله، ۱۳۴۵، ص ۱۸۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ص ۱۷۹؛ قووریه، ۱۳۲۶، ص ۳۷۵؛ سیاح، ۲۵۳۶، ص ۲۴۶؛ IOR/L/MIL/17/15/1, p110.

۲. به نقل از اسناد وزارت خارجه بریتانیا: Sir Frank Lascelles, July 1893, 315. No to Earl of Roseberry, Government of India, Foreign Department



منافع تجاری بریتانیا را ارتقا می‌داد (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۱۵۱). از آنجاکه کارون در قلمرو قشلاقی بختیاری قرار گرفته بود، بریتانیا ناگزیر بود برای اجرای این طرح، موافقت و رضایت خان‌های بختیاری را حاصل کند.

بریتانیا پس از بازشدن رودخانه کارون به روی کشتی‌های انگلیسی، ضرورت احداث جاده‌ای کاروان‌رو از اهواز تا اصفهان را بیش از پیش احساس کرد. اهمیت این جاده برای بریتانیا، در کوتاه‌تر بودن آن از جاده قبلی یعنی بوشهر-اصفهان بود (سایکس، ۱۳۳۶، ص ۲۸۴). این جاده نیز از قلمرو بختیاری عبور می‌کرد و بریتانیا را بیش از پیش به خان‌های بختیاری وابسته کرد؛ تاجایی که حتی در مواردی که بین خان‌ها و کمپانی لینچ اختلافی پیش می‌آمد، بریتانیا طرف خان‌ها را می‌گرفت (Garthwaite, 1972, p32).

منابع نفت جنوب ایران نیز عمدتاً در قلمرو ایل بختیاری قرار داشت. بریتانیا برای خرید زمین برای احداث تأسیسات نفتی، حفاظت از این تأسیسات و نیز تأمین امنیت پرسنل خود، به همکاری بختیاری‌ها نیاز داشت (اُوزن بختیاری، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۱۷۵).

## ۶. نخستین رایزنی‌ها در زمینه بازگشت ظل‌السلطان به ایران

ظل‌السلطان پس از یکی دو ماه اقامت در فرانسه، طی تلگرافی خود و خانواده‌اش را در اختیار محمدعلی شاه قرار داد (کتاب نارنجی، ج ۲، ۱۳۶۶، ص ۲۵) و بدین وسیله مراتب فرمان‌برداری‌اش را به شاه اعلام کرد. او همچنین در تلاش بود تا بریتانیا و روسیه را در زمینه وفاداری‌اش به شاه مطمئن سازد و ابراز تمایل کرد که برای زندگی آرام و بدون اهداف جاه‌طلبانه به ایران بازگردد (کتاب نارنجی، ج ۲، ۱۳۶۶، ص ۵۱)؛ ولی دولتین با بازگشت ظل‌السلطان به ایران مخالف بودند و به او هشدار دادند که در صورت بازگشت، از حمایت آن‌ها محروم خواهد شد (کتاب نارنجی، ج ۲، ۱۳۶۶، ص ۵۲). آن‌ها برای ظل‌السلطان استدلال می‌آوردند که بازگشت او به ایران تا قبل از آرام‌شدن اوضاع به صلاح نیست (JAN1909, IOR/R/15/5/9, p15).

بریتانیا و روسیه در این زمان هنوز بازگشت ظل‌السلطان به ایران را با منافع خود منافی می‌دانستند و سعی می‌کردند تا با تهدید سلب حمایت از ظل‌السلطان، از ورود او به کشور جلوگیری کنند (No.656, 14DEC1908, IOR/L/PS/10/10, p1052). روسیه به‌وضوح طرفدار محمدعلی شاه و مخالف حامیان مشروطه بود و بریتانیا نیز بازگشت ظل‌السلطان در این زمان را به دلیل سابقه چشم‌داشت او به تخت سلطنت و به‌ویژه به دلیل حکومت بختیاری‌ها در اصفهان، عاملی در تشدید هرج و مرج‌های موجود می‌دانست؛ ولی ظل‌السلطان طی ملاقاتی که در ژوئن ۱۹۰۹ / جمادی‌الاول ۱۳۲۷ با کاردار بریتانیا در شهر محل اقامت

۱. تلگراف هارتویگ به وزیر امور خارجه روسیه مورخ ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ م / ۲۰ رمضان ۱۳۲۶ ق.
۲. تلگراف مستشار ارشد نیلیدوف سفیر روسیه در پاریس به وزیر امور خارجه روسیه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۰۸ م / ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ ق.
۳. تلگراف وزیر امور خارجه روسیه به سفیر روسیه در پاریس مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۰۸ م / ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ ق.



خود، «نیس» در فرانسه داشت تعهد داد که قصد ندارد هیچ‌گونه منصب حکومتی را در ایران بپذیرد؛ بلکه تنها آرزوی او، داشتن زندگی آرام در املاکش در اطراف اصفهان است (1JUN1909, IOR/R/15/5/9, pp 95-96).

## ۷. تلاشی نافرجام در بازگشت به ایران

در ماه می ۱۹۰۹/ربیع‌الثانی ۱۳۲۷، شاه ابراز تمایل کرد که در صورت بازگشت ظل‌السلطان، او را به فرمانداری فارس منصوب می‌کند. ادوارد گری<sup>۱</sup>، وزیر امور خارجه بریتانیا، با این تصمیم موافقت کرد و روسیه نیز بی‌طرفی‌اش را ابراز کرد (1JUL1909, IOR/R/15/5/9, p122). این تصمیم شاه پیرو اصلاحاتی بود که او در این ماه به ناگزیر و تحت فشار دو وزیرمختار با آنها موافقت کرده بود. این اصلاحات، از سوی دولتین در جهت برون‌رفت از شرایط بحرانی کشور در پس از انحلال مجلس اول، به شاه دیکته شده بود (معاصر، ۱۳۵۳، ج ۲، صص ۱۱۷۸-۱۱۸۰)<sup>۲</sup>.

ظل‌السلطان در این میان، مشمول فرمان «عفو عمومی» شد و اجازه یافت به کشور مراجعت کند؛ ولی تنها دو ماه پس از عفو شاه، واقعه فتح تهران رخ داد و همه معادلات به هم خورد. در روز ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹م/۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق، نیروهای بختیاری به رهبری سردار اسعد وارد تهران شدند (سیاح، ۲۵۳۶، ص ۶۳۲؛ کرمانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۸۷؛ براون، ۱۳۲۹، ص ۳۲۹). با خلع محمدعلی شاه از سلطنت، شرایط بسیار شکننده شد و نیروهای قبیله‌ای کنترل اوضاع را به دست گرفتند. سر بارکلی<sup>۳</sup> وزیرمختار بریتانیا به همراه هم‌تای روسی خود با وزیر امور داخلی ایران ملاقات کرد تا درباره انتصاب ظل‌السلطان به فرمانداری فارس و نیز آرام کردن نیروهای قبیله‌ای با او مذاکره کنند؛ ولی وزیر اظهار داشت که دولت جدید تصمیم دارد فرماندار کنونی فارس را در مقام خود ابقا کند (1AUG1909, IOR/R/15/5/9, pp 145-146). با مخالفت دولت در انتصاب ظل‌السلطان، دو وزیرمختار به اتفاق نظر رسیدند که از بازگشت ظل‌السلطان جلوگیری کنند (کتاب آبی، ج ۳، ۱۳۶۲، ص ۶۲۹)<sup>۴</sup>.

ولی ظل‌السلطان خودسرانه رهسپار ایران شد. دولتین به نمایندگان خود در شهر «وین» دستور دادند تا او را از این امر منصرف کنند. به عقیده آنها، شرایط کنونی ایران برای حضور ظل‌السلطان مناسب نبود (1AUG1909, IOR/R/15/5/9, pp 149-150). نمایندگان دو دولت در «وین» با ظل‌السلطان ملاقات کردند و تلاش کردند تا از بازگشت او به ایران ممانعت کنند. ظل‌السلطان به آنها اطمینان داد که هدفش از بازگشت، دخالت در امور سیاسی نیست و تنها قصد دارد زندگی آرامی را در املاک خود سپری کند (کتاب آبی، ج ۳، ۱۳۶۳، ص ۶۳۳)<sup>۵</sup>.

Edward Grey .1

۲. تلگراف بارکلی به ادوارد گری مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۰۹م/۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق.

3. George Head Barclay

۴. تلگراف بارکلی به ادوارد گری مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹م/۲ رجب ۱۳۲۷ق.

۵. تلگراف کارترایت از وین به ادوارد گری

مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۹م/۵ رجب ۱۳۲۷ق.



سرانجام ظل السلطان در ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۹/۱۲ رجب ۱۳۲۷ «وین» را به مقصد ایران ترک کرد؛ ولی توسط دولت ایران در نزدیکی منجیل متوقف شد و به رشت فرستاده شد. پسران او دست به دامان وزیرمختار بریتانیا شدند. بارکلی ابتدا از مداخله سر باز زد (1SEP1909, IOR/R/15/5/9, p170)؛ ولی در پی اصرار اکبرمیرزا موافقت کرد تا در بازگرداندن ظل السلطان به اروپا به او کمک کند (1SEP1909, IOR/R/15/5/9, p171). ظل السلطان پس از اخراج از ایران، مجدداً در شهر «نیس» اقامت گزید (براون، ۱۳۲۹، ص ۳۴۶).

## ۸. کارشکنی خان‌های بختیاری در بازگشت ظل السلطان

در سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق، ناامنی در شهرها و جاده‌های ایران شدت گرفت. وزیرمختار بریتانیا در ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰م/۹ شوال ۱۳۲۸ق گزارش داد که وضعیت ناامنی در جاده‌های جنوب کشور از زمان حضور او در ایران هیچ‌گاه به این وخامت نبوده است (کتاب آبی، ج ۴، ۱۳۶۳، ص ۹۴۸).<sup>۲</sup> به دنبال این ناامنی‌ها، دولت ایران انتصاب فرمانداری قدرتمند در فارس را مدنظر قرار داد. اولین فرد پیشنهادی دولت برای این پست، ظل السلطان بود. براین اساس، در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۱۰م/۲۹ شوال ۱۳۲۸ق از طرف کابینه ایران تلگرافی برای ظل السلطان ارسال شد و این منصب به او پیشنهاد شد. ظل السلطان این پیشنهاد را پذیرفت؛ ولی زمانی که سردار اسعد بختیاری از این موضوع آگاه شد، واکنش نشان داد و با تندی با نخست‌وزیر صحبت کرد. نخست‌وزیر پس از این واکنش، جلال‌الدوله فرزند ظل السلطان را متقاعد کرد که به پدر خود تلگراف بزند و به او توصیه کند که از قبول این پیشنهاد سر باز زند (No.221, 30NOV1910, IOR/L/PS/10/163, p148).

در این زمان، به دنبال فتح تهران، سران بختیاری در تهران و دیگر ایالات به قدرت رسیده بودند. به عبارتی، علاوه بر سردار اسعد و صمصام‌السلطنه که در تهران به مناصب دولتی رسیده بودند، خان‌های متعدد دیگری نیز حکومت ولایات مختلف را برعهده گرفته بودند (عکاشه، ۱۳۶۵، ص ۶۰۱؛ ملک‌زاده، ۱۳۷۳، ج ۶، صص ۱۲۸۵ و ۱۳۱۳). این دوران را می‌توان دوره شکوه و اقتدار بختیاری‌ها محسوب کرد؛ به‌ویژه آنکه مستوفی‌الممالک نیز از آن‌ها حمایت می‌کرد (میرزائی دره‌شوری، ۱۳۷۳، ص ۲۹۴). این امر باعث شد تا بریتانیا بیش از پیش از تصمیمات خان‌ها حمایت کند تا منافع این دولت در قلمرو بختیاری به‌مخاطره نیفتد. براساس قرارداد ۱۹۰۷، بخشی از قلمرو بختیاری تحت نفوذ روسیه قرار داشت و بریتانیا نگران آن بود که در صورت مایوس شدن خان‌های بختیاری از بریتانیا آن‌ها به سمت روسیه متمایل شوند (Garthwaite, 2009, p135).

۱. این سند در مرجع زیر وجود دارد:

1SEP1909, IOR/L/MIL/17/15/25, p8

۲. این سند در مرجع زیر وجود دارد:

1SEP1909, IOR/L/MIL/17/15/25, p9

۳. تلگراف سر بارکلی به ادوارد گری، مورخ

۱۱۵ اکتبر ۱۹۱۰م/۱۱ شوال ۱۳۲۸ق.





## ۹. بازگشت محمدعلی شاه و پیامد آن برای ظل السلطان

در سال ۱۹۱۱م/۱۳۲۹ق، خبر بازگشت محمدعلی شاه به ایران همچون صاعقه‌ای بر سر مشروطه خواهان فرود آمد. او در ۱۸ ژوئیه ۱۹۱۱م/۲۱ رجب ۱۳۲۹ق وارد «گمش‌تپه» شد (کتاب آبی، ج ۵، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲۲)؛ ولی پس از جنگ‌های متعدد بین نیروهای مجاهدین و نیروهای مدافع شاه، ناچار شد فرار کند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۱۵). با این پیروزی، نفوذ بختیاری‌ها بیشتر از گذشته شد؛ تاجایی که به تعبیر دولت‌آبادی: «قوة دولت تقریباً منحصر بود به قوة بختیاری و رشته امور مملکت هم به دست آن‌ها بود» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۱۶).

با انتشار خبر بازگشت شاه، گری از وزیرمختار بریتانیا در سنت پترزبورگ خواست تا نظر وزیر امور خارجه روسیه را درباره بازگرداندن ظل السلطان جویا شود (No.562, 8JUL1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p314). گری در همان روز، به تاونلی<sup>۱</sup> وزیرمختار در تهران، اظهار داشت که تصمیم بریتانیا هم‌چنان بر کمک‌نکردن به ظل السلطان در بازگشت به ایران است و لازم است این تصمیم به اطلاع خود او نیز برسد (No.406, 8JUL1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p316).

ولی لرد کریو<sup>۲</sup> وزیر امور هندوستان، نظری غیرازین داشت. او تلگرافی به وزارت خارجه ارسال کرد و طی آن اظهار تأسف کرد که چرا گری بر انتصاب ظل السلطان به فرمانداری فارس پافشاری نمی‌ورزد. او استدلال می‌آورد که اگرچه ظل السلطان در ایران بدنام است، ولی باتوجه به وخیم‌ترشدن شرایط نامنی در جاده شیراز-بوشهر، در صورتی که بتواند امنیت را برقرار کند، می‌توان از او به‌نفع بریتانیا بهره برد (No.P2716, 22JUL1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p288). سابقه اقتدار ظل السلطان در برقراری امنیت در مناطق جنوبی ایران، برگ برنده‌ای برای او محسوب می‌شد؛ تاآنجا که توانست حمایت بریتانیا را برای انتصاب مجددش به سمت فرمانداری برایش به‌همراه داشته باشد.

تاونلی نیز با شرح شرایط نامنی در شیراز، خطاب به گری نوشت که از نظر او، تنها ظل السلطان است که می‌تواند به اوضاع کنونی این شهر سر و سامان دهد (No.157, 7AUG1912, IOR/L/PS/10/197, pp 168-169). پرسی کاکس<sup>۳</sup> نیز معتقد بود ظل السلطان می‌تواند گزینه خوبی برای بهبود شرایط موجود در فارس باشد؛ به شرط آنکه پول و نفرت کافی در اختیارش قرار داده شود (No.150, 10JUL1912, IOR/L/PS/10/197, p238). او عنوان داشت که اقتدار و ثروت ظل السلطان می‌تواند امنیت را در فارس برقرار کند. البته او ابراز نگرانی کرد که اگر حمایت بریتانیا از انتصاب ظل السلطان بر ملا شود، بریتانیا بخشی از نفوذ خود در میان قبایل بختیاری را از دست خواهد داد (No.1626, 28JUL1912, IOR/L/PS/10/197, p249). براین اساس، برای بریتانیا بسیار مهم بود که نقشش در حمایت از ظل السلطان را پشت پرده ایفا کند.

۱. تلگراف پارکلی به ادوارد گری مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۱۱م/۲۱ رجب ۱۳۲۹ق.
۲. Walter Townley
۳. Robert Crewe
۴. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد: No.P2716, 22JUL1912, IOR/L/PS/10/197, p232
۵. Percy Cox



کمتر از یک ماه بعد، اوضاع مجدداً خلاف میل ظل السلطان پیش رفت؛ چراکه بار دیگر شایعه بازگشت شاه سابق بر سر زبان‌ها افتاد. وزیرمختار بریتانیا معتقد بود بازگشت ظل السلطان به ایران و انتصابش به فرمانداری فارس یا اصفهان در شرایط موجود، به صلاح نیست؛ چراکه حضور او در جنوب، به‌عنوان وزنه‌ای بریتانیایی در مقابله با شاه در شمال محسوب می‌شود و این امر به زیان منافع بریتانیا خواهد بود (No.460, 17AUG1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p300).

وزیرمختار بریتانیا خبر داد که با وزیرمختار روسیه مشورت کرده‌است و هر دو بر سر این راه‌حل توافق دارند که فرماندار جدید اصفهان، باید فردی بی‌طرف و «غیربختیاری» باشد (No.459, 17AUG1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p302). دلیل اصرار سفارتین بر بختیاری نبودن فرماندار جدید اصفهان، خصومت‌های آشکار بختیاری‌ها با شاه سابق طی سال‌های گذشته بود. ماجراهایی چون فتح اصفهان، فتح تهران، عزل محمدعلی شاه، و لشکرکشی برای بیرون‌راندن او از کشور در ژوئیه/رجب سال گذشته، دیگر هیچ جای آشتی بین محمدعلی شاه و خان‌ها باقی نگذاشته بود. براین اساس، در زمانی که بازگشت شاه قطعی به نظر می‌رسید، بریتانیا حمایت آشکار از ظل السلطان و حتی بختیاری‌ها را مصلحت نمی‌دانست و با پیشنهاد تعیین فردی غیربختیاری برای حکومت اصفهان موافقت کرد.

در شرایط جدید، روسیه مخالفت خود را با بازگشت ظل السلطان اعلام کرد و تصمیم جدید بریتانیا در حمایت نکردن از ظل السلطان در این باره را تأیید کرد. این خبری بود که بوکانن<sup>۱</sup>، سفیر بریتانیا در روسیه، به اطلاع گری رساند (No.296, 21AUG1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p296). گری نیز به وزیرمختار اطلاع داد که اولویت آن‌ها، بازگرداندن شاه سابق است و بازگشت ظل السلطان در درجه دوم اهمیت قرار دارد (No.563, 2SEP1912, IOR/L/PS/10/197, p204).

تصمیم جدید روسیه و بریتانیا مبنی بر حمایت نکردن از بازگشت ظل السلطان، طی نامه‌ای از جانب وزارت خارجه بریتانیا به شاهزاده بهرام‌میرزا اطلاع داده شد (No.35407, 3SEP1912, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p292). باوجود آنکه محمدعلی شاه هرگز موفق نشد به تاج و تخت خود بازگردد، ولی شایعه بازگشت او کافی بود تا ظل السلطان را بار دیگر از دیدار وطن محروم سازد.

## ۱۰. تقابل بریتانیا و روسیه در اصفهان مقارن با آغاز جنگ جهانی اول

در اوت ۱۹۱۴/رمضان ۱۳۳۲، تاونلی هشداری از سوی خان‌های بختیاری دریافت کرد مبنی بر اینکه اگر در اصفهان فرمانداری روسوفیل منصوب شود که منافع بختیاری‌ها را

1. George Buchanan



به‌خطر اندازد، آن‌ها نیز از روسیه درخواست حمایت خواهند کرد و روابطی دوستانه با این دولت برقرار خواهند کرد (No.218, 1AUG1914, IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914-Pt 1, p40). وزیرمختار در تلگراف خود، به‌شدت از افزایش نفوذ روسیه در اصفهان ابراز نگرانی کرد و مجدداً تأکید کرد که تعدادی از خان‌های بختیاری به او هشدار داده‌اند که در صورت واگذاری اصفهان به روسیه، وفاداری‌شان به بریتانیا را کنار خواهند گذاشت (No.224, 3AUG1914, IOR/L/PS/10/451/1, File 1187/1914-Pt 2, pp 433-434).

## ۱۱. حمایت روسیه از بازگشت ظل‌السلطان

در فوریه ۱۹۱۵م/ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق، از سرکنسول بریتانیا در اصفهان تلگرافی به تاونلی رسید مبنی بر اینکه همایون‌میرزا طی ملاقاتی، از رویکرد بریتانیا درباره بازگشت ظل‌السلطان به ایران پرس‌وجو کرده و خواستار حمایت این دولت از پدر خود شده‌است. براساس مندرجات این سند، همایون‌میرزا مانع اصلی در بازگشت ظل‌السلطان را خان‌های بختیاری می‌دانسته‌است (No.11, 6FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 282-286). تاونلی گزارش می‌دهد که اکبرمیرزا با مدیر بانک روسی در اصفهان توافقی کرده و به‌موجب آن، مسئولیت اداره اموال فراوان ظل‌السلطان برعهده این بانک قرار گرفته‌است. او هم‌چنین اظهار می‌دارد که اکبرمیرزا با همدستی روسیه سعی دارد بازگشت ظل‌السلطان به ایران را عملی سازد. به‌باور تاونلی، آن‌ها در خفا قصد دارند او را به سمت فرمانداری فارس منصوب کنند (No.31, 16FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 274-276). وزیرمختار هم‌چنین اشاره می‌کند که خان‌های بختیاری طی یکی دو سال قبل، مخالفت خود را با بازگشت ظل‌السلطان ابراز داشته‌اند و در این زمینه دو شرط عنوان کرده‌اند: اول آنکه در تهران اقامت داشته باشد؛ و دوم آنکه تنها برای ملاقاتی کوتاه‌مدت به ایران بیاید (No.31, 16FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 276-278). تاونلی پیشنهاد می‌دهد بریتانیا با تأمین منافع خان‌های بختیاری، از ایجاد حسادت بین آن‌ها ممانعت کند و هم‌چنین به همایون‌میرزا اطلاع داده شود که شرایط کنونی در اروپا به‌گونه‌ای نیست که سفر ظل‌السلطان به ایران مطلوب باشد (No.31, 16FEB1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 278-280). در شرایطی که بین روسیه و خانواده ظل‌السلطان روابطی مشکوک برقرار شده بود، بازگشت ظل‌السلطان به ایران نمی‌توانست به‌نفع بریتانیا باشد.

در این زمان، در میانه جنگ جهانی اول، گروهی از خان‌های جوان‌تر بختیاری، بیشتر به‌سمت آلمان‌ها گرایش یافته بودند و به‌اندازه نسل پیش‌از خود، درقبال بریتانیا

۱. فرزند ظل‌السلطان



وفادار نبودند (میرزائی دره‌شوری، ۱۳۷۳، ص ۳۱۶). از جمله افراد بانفوذ بختیاری که با آلمان‌ها همکاری می‌کردند، می‌توان به ضرغام السلطنه، سردار معظم، و سردار مریم اشاره کرد (سپهر، ۱۳۶۲، صص ۷۴-۷۵؛ گارثویت، ۱۳۷۳، ص ۲۲۸). حتی این احتمال می‌رفت که خان‌های مقیم تهران نیز با آلمان‌ها متحد شوند (گارثویت، ۱۳۷۳، ص ۲۳۸)؛ بنابراین موقعیت بریتانیا در قلمرو بختیاری در شرایطی شکننده قرار گرفته بود. تاونلی توصیه کرد که بریتانیا با بازگرداندن ظل السلطان - که از سوی روسیه پیگیری می‌شود - مخالفت کند؛ گری نیز این توصیه را پذیرفت (No.30092/15, 20MAR1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p272).

## ۱۲. مخالفت دفتر امور هندوستان با بازگشت ظل السلطان

در سپتامبر ۱۹۱۵/ذی‌قعدة ۱۳۳۳، گری دو نامه خطاب به وزیر مختارهای تهران و پتروگراد ارسال کرد. در نامه به تهران، به اطلاع مارلینگ<sup>۱</sup>، وزیر مختار جدید، رساند که بهرام‌میرزا به ملاقات او آمده‌است تا از بریتانیا برای پدر خود ضمانت امنیت درخواست کند. در این نامه، گری از مارلینگ پرسید که آیا از نظر او، ظل السلطان و فرزندانش برای سفارتین سودی خواهند داشت؟ (No.268, 11SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p246). در نامه دوم به پتروگراد، گری از بوکانن خواست تا دیدگاه وزیر خارجه روسیه را در این باره جویا شود (No.2102, 11SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p246). پاسخ بوکانن حاکی از آن بود که روسیه با حمایت از ظل السلطان مخالفتی ندارد؛ ولی معتقد است باید با او اتمام حجت شود که این حمایت، تنها تا جایی اعتبار دارد که روسیه امکان انجام آن را داشته باشد. درباره مفید بودن ظل السلطان نیز، روسیه هیچ سودی را از بازگشت او به ایران برای خود پیش‌بینی نمی‌کرد (No.1369, 18SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p242).

مارلینگ نیز در پاسخ بیان داشت که برای او بسیار سخت است تا درباره مفید بودن ظل السلطان برای بریتانیا نظر دهد (No.352, 20SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p236). گری بار دیگر از مارلینگ پرسید که آیا از نظر او بریتانیا می‌تواند به ظل السلطان برای بازگشت به ایران فرصتی بدهد؟ (No.285, 22SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p230). مارلینگ هم به فاصله یک روز پاسخ مثبت خود را ارسال کرد (No.360, 23SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p232).

پس از این مکاتبات، بریتانیا تصمیم گرفت با درخواست حمایت از سوی ظل السلطان موافقت کند. به دنبال این تصمیم، گری متن پیشنهادی خود را که باید به ظل السلطان

1. Charles Murray Marling



ارسال می‌شد، برای مطالعه بوکانن، به پتروگرااد ارسال کرد. او در این متن، خطاب به ظل‌السلطان نوشت که اگر جان او در معرض خطر قرار گیرد یا اقدامی علیه او رخ دهد، بریتانیا به‌همراه روسیه آماده هستند -تاجایی که برای آن‌ها مقدور باشد- از او و خانواده‌اش حمایت کنند؛ البته مشروط به اینکه او به شاه ایران وفادار بماند (No.2213, 25SEP1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p234)؛ بنابراین وفاداری ظل‌السلطان به شاه، برای بریتانیا آن قدر اهمیت داشت که به‌عنوان شرط حمایت آن‌ها از او مطرح شد. در شرایطی که ایران در آن زمان داشت و با تسلط آلمان‌ها بر اوضاع، مقابله ظل‌السلطان با شاه، تنها به وخیم‌تر شدن اوضاع و بهره‌بردن آلمان از این آشفتگی‌ها می‌انجامید.

بوکانن در پاسخ اعلام کرد که دستورالعمل‌های لازم درباره حمایت از ظل‌السلطان به وزیرمختار روسیه ارسال شده‌است (No.1441, 1OCT1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p216). زمزمه بازگرداندن ظل‌السلطان و انتصاب او به سمت فرمانداری، به گوش رجال ایران نیز رسید (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۲۲۵). به‌دنبال توافق روسیه و بریتانیا در بازگرداندن ظل‌السلطان، گری سناریویی را مطرح کرد مبنی بر اینکه با ارسال ظل‌السلطان به بوشهر و سپس به شیراز و اصفهان، نفوذ آلمان در جنوب را خنثی کنند؛ ولی او لازم می‌دانست ابتدا از تحقق دو شرط کلیدی مطمئن شود: اول اینکه ایران با انتصاب ظل‌السلطان به فرمانداری فارس موافقت کند؛ و دوم اینکه بختیاری‌ها از اجرای این طرح جلوگیری نکنند. او مسئولیت تحقیق درباره این دو شرط را به مارلینگ سپرد (No.454, 17DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p198).

مارلینگ در پاسخ نوشت که انتصاب ظل‌السلطان به فرمانداری فارس، به شرایط در تهران بستگی دارد. درباره توافق با بختیاری‌ها نیز، او معتقد بود که حضور ظل‌السلطان در فارس مخالفت برخی از خان‌ها را به‌دنبال خواهد داشت. مارلینگ هم‌چنین اعزام قشونی از هندوستان را برای حمایت از ظل‌السلطان ضروری دانست. البته اضافه کرد که در صورت امتناع دفتر هندوستان از اعزام نیرو، لازم است ظل‌السلطان مبلغ قابل‌توجهی پول به‌همراه داشته باشد (No.546, 19DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p188). او هم‌چنین از توافقی بین خان‌های بختیاری و ژاندارمری خبر داد که براساس آن، بختیاری‌ها متعهد شده بودند تا در سیاست‌های ژاندارمری در اصفهان دخالت نکنند و در مقابل، درخواست توقیف املاک ظل‌السلطان را مطرح کرده بودند (No.493, IOR/L/PS/10/493, File 3516/1914-Pt 18, P192).

گری از بوکانن خواست تا نظر وزیر خارجه روسیه را نیز درباره سناریوی مطرح‌شده جویا شود (No.3014, 17DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p48).

۱. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.454, 17DEC1915, IOR/L/  
PS/10/491, File 3516/1914-Pt 16,  
p48.



p198). براساس نامه ارسالی شده از پتروگرا، روسیه با این سناریو موافقت کرد (No.1914, p186, 19DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1). گری درباره سناریوی مدنظر خود، با دفتر هندوستان نیز مشورت کرد و تعداد قشونی را که هندوستان قادر بود برای حمایت از ظل السلطان اعزام کند جویا شد. او خطاب به چمبرلین<sup>۱</sup>، وزیر امور هندوستان نوشت: بهترین و درحقیقت تنها راه مقابله با تهدید روزافزون آلمان در مناطق جنوبی ایران، اعزام فوری فرمانداری قدرتمند همچون ظل السلطان به فارس است تا نظم و امنیت را در این مناطق برقرار کند (No.192200/15, 18DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, pp 190-194).

ولی پاسخ دفتر هندوستان به درخواست اعزام نیرو منفی بود. این پاسخ منفی، به یکباره معادلات بریتانیا را برهم زد. گری به مارلینگ اطلاع داد که به دلیل امتناع دفتر هندوستان از همکاری در این سناریو، باید از ایده ارسال ظل السلطان به ایران در شرایط کنونی صرف نظر کنند و آن را به زمانی که شرایط تهران مساعدتر شود موکول کنند (No.465, 23DEC1915, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p196). برای اساس، در واپسین روزهای دسامبر ۱۹۱۵م/ صفر ۱۳۳۴ق، بازگشت ظل السلطان به ایران برای چندمین بار متفی شد.

### ۱۳. حضور روسیه در اصفهان: سدی جدید بر سر راه ظل السلطان

از دسامبر ۱۹۱۵/ صفر ۱۳۳۴ روسیه به قصد شکست دادن آلمان در ایالات مختلف ایران، پیشروی از قزوین به سمت جنوب را آغاز کرد (مابری، ۱۳۶۹، ص ۱۷۸). آلمان در واکنش، هیئتی جدید را برای تقویت نیروهای خود به ایران اعزام کرد؛ ولی این هیئت نتوانست کاری از پیش ببرد و آلمان‌ها ناچار شدند عقب‌نشینی کنند و اصفهان در مارس ۱۹۱۶/ جمادی الاول ۱۳۳۴ سقوط کرد (باست، ۱۳۶۷، صص ۵۴ و ۵۸).

باشکست آلمان‌ها، مجدداً موضوع بازگرداندن ظل السلطان مورد توجه بریتانیا قرار گرفت. مارلینگ خبر داد که دولت ایران با بازگشت ظل السلطان و انتصاب او در جنوب موافقت کرده است (No.9, 7JAN1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p182). ولی به باور مارلینگ، تازمانی که نیروهای روسی در اصفهان حضور داشتند، ارسال ظل السلطان به اصفهان برای بریتانیا بی‌فایده بود (No.64, 26JAN1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p166). گری در پاسخ نوشت که به ظل السلطان اطلاع خواهد داد که حضور او در ایران در شرایط موجود، مصلحت نیست (No.48, 28JAN1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p168). بریتانیا ترجیح می‌داد ظل السلطان در شرایطی وارد اصفهان شود که این ایالت، تحت نفوذ روسیه نباشد؛ چراکه بیم آن می‌رفت که او در اصفهان به سمت نیروی برتر تمایل یابد.

1. Austen Chamberlain

۲. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.18, 15/12/2000DEC1915, IOR/L/PS/491/10, File 16, 1914/3516Pt 1, p36.



با وجود منتفی شدن موقتی بازگشت ظل‌السلطان، بریتانیا هنوز به تلاش خود در تحقق این هدف ادامه می‌داد. براساس گزارش مارلینگ، او در تهران با خان‌های بختیاری مذاکره می‌کرد و سعی می‌کرد آن‌ها را برای پذیرش فرماندار جدید آماده سازد. او در این مذاکرات، تلویحاً بیان می‌کرد که بهتر است فردی خارج از طایفه بختیاری بر اصفهان حاکم شود. مارلینگ به گری توصیه کرد که در شرایط موجود بهتر است تا بازگشت ظل‌السلطان مدتی به تعویق افتد تا خان‌های بختیاری بلافاصله پس از سرخوردگی بابت ازدست‌دادن فرمانداری اصفهان، با چالش دیگری مواجه نشوند. در همین دوران بود که اکبر میرزا به سمت وزارت خارجه منصوب شد (No.133, 3MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p138). با حضور نیروهای روسیه در اصفهان و اکبر میرزا در مقام وزیر خارجه، پیشنهاد غیربختیاری بودن حاکم جدید اصفهان، چندان غیرمنطقی به نظر نمی‌رسید. گری پیشنهاد داد که با بختیاری‌ها پیمانی بسته شود مبنی بر اینکه در صورت حمایت آن‌ها از ظل‌السلطان در بیرون‌راندن آلمان‌ها از فارس، ظل‌السلطان تنها به حکومت شیراز منصوب می‌شود و حکومت اصفهان برای بختیاری‌ها باقی می‌ماند (No.117, 10MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p128). مارلینگ چندان با این پیشنهاد موافق نبود؛ چراکه معتقد بود اکبر میرزا و دوستان او نسبتاً قدرتمند شده‌اند و با انتصاب بختیاری‌ها در اصفهان مخالفت خواهند کرد. از طرف دیگر، روسیه مایل بود تا ظل‌السلطان در اصفهان حکومت کند؛ چراکه رفتن او به شیراز به معنای حکومت فردی بختیاری در اصفهان بود و روسیه با این قضیه کنار نمی‌آمد (No.156, 14MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p112).

گری تعلل در بازگرداندن ظل‌السلطان به ایران را بیش از این جایز نمی‌دانست و خطاب به بوکانن نوشت که با وزیر خارجه روسیه در این باره صحبت کند و نظر او را جویا شود (No.609, 17MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p114). روسیه با این پیشنهاد مخالفتی نداشت و با وعده حمایت از ظل‌السلطان موافقت کرد (No.391, 18MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p110). در مارس ۱۹۱۶/ جمادی‌الاول ۱۳۳۴، بهرام میرزا به لندن رفت و با گری ملاقات کرد. گری به مارلینگ اطلاع داد که بهرام میرزا در آن زمان در راه «نیس» است تا با پدر خود درباره بازگشت به ایران مذاکره کند (No.140, 24MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p106). چهار روز بعد، تلگرافی از سوی گری به دست مارلینگ رسید مبنی بر اینکه کشتی حامل بهرام میرزا غرق شده است<sup>۱</sup> (No.146, 28MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p98). این موضوع، بریتانیا را نگران کرد که به دلیل ضایعه پیش‌آمده،

۱. این کشتی در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۱۶م/۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ق، توسط نیروهای آلمان در دریای ماننش مورد اصابت اژدر قرار گرفت و غرق شد (سپهر، ۱۳۴۲، ص ۳۴۴). به نقل از ابلاغیه سفارت روسیه مورخ ۲۹ مارس ۱۹۱۶م/۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ق.



ظل السلطان آمادگی خود را برای سفر به ایران از دست بدهد؛ بنابراین به لرد برتی<sup>۱</sup>، سفیر بریتانیا در فرانسه، مأموریت داد تا درباره این امر پرس و جو کند (No.768, 31MAR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p96). برخلاف نگرانی بریتانیا، سوگ فرزند باعث نشده بود تا ظل السلطان برنامه بازگشتش را لغو کند و قصد داشت از مسیر اتریش به ایران بازگردد (No.205, 3APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p86).

ولی گری با مسیر اتریش موافق نبود و به مارلینگ پاسخ داد که به صلاح ظل السلطان نیست که از این مسیر سفر کند و باید از روسیه عبور کند (No.157, 4APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p88). باید در نظر داشت که در آن زمان، هنوز آتش جنگ شعله‌ور بود و این طبیعی بود که بریتانیا در زمینه عبور یکی از مهره‌های کلیدی‌اش از سرزمین دشمن نگران باشد. هم‌زمان، نامه لرد برتی نیز از فرانسه رسید که در آن، ظل السلطان را به شدت متأثر از مرگ فرزندش توصیف می‌کرد (No.395, 4APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p90). برای تقبل منصب فرمانداری اصفهان نیز آمادگی داشت (No.417, 9APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p60).

#### ۱۴. آخرین قول و قرارها برای بازگشت ظل السلطان

قبل از خروج ظل السلطان از فرانسه، مارلینگ گزارش داد که دوستان شاهزاده در ایران در تلاش هستند تا مقدمات انتصاب او به حکومت فارس و اصفهان، هر دو را فراهم کنند؛ ولی دو وزیر مختار معتقد بودند که یک نفر نمی‌تواند به‌طور هم‌زمان در دو منطقه تحت نفوذ دو دولت متفاوت حکمرانی کند؛ بنابراین مارلینگ پیشنهاد داد به ظل السلطان اطلاع داده شود که اهدافی که دوستان او در سر دارند امکان‌پذیر نخواهد بود (No.283, 29APR1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p24).

گری پیشنهاد داد تا در زمان ملاقات با ظل السلطان در لندن، به او گوشزد شود که فرمانداری هم‌زمان در اصفهان و فارس، از سوی بریتانیا پذیرفته نیست (No.W.81337/16, 2MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, p20). بر اساس اسناد بررسی شده، ظل السلطان در تاریخ ۵ می ۱۹۱۶ ق/ ۲ رجب ۱۳۳۴ ق، در لندن با گری ملاقات می‌کند (No.W.86957/16, 6MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p582). او پس از این ملاقات، آماده می‌شود تا انگلستان را ترک کند. مقصد بعدی‌ای که بریتانیا برای او در نظر گرفته بود «نروژ» بود (No.1600, 8MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p590). وزیر خارجه نروژ پیشنهاد داد تا کشتی بزرگی را در نزدیکی یکی از جزایر مجاور

1. Francis Bertie





«بندر برگن» به استقبال ظل السلطان بفرستد (No.1615, 9MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p592).

ظل السلطان سرانجام در روز ۱۳ می ۱۹۱۶ ق / ۱۰ رجب ۱۳۳۴ ق سواحل بریتانیا را ترک کرد (No.91433, 13MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p544)؛ ولی قبل از عزیمت، تقاضای دریافت ده تا بیست هزار تومان پول نقد برای پرداخت به افرادش در اصفهان و هم‌چنین پانصد تا هزار نفر نیرو و مهمات را مطرح کرد (No.1008, 14MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, pp 564-566). دولت روسیه بلافاصله با درخواست ظل السلطان برای دریافت پول نقد و نیرو موافقت کرد (No.700, 14MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p568).

براساس اسناد موجود، در زمان حضور ظل السلطان در لندن، ضمانت‌نامه‌ای که بریتانیا و روسیه از جان، مال و آبروی او حمایت خواهند کرد، در اختیار او قرار گرفت. متن این ضمانت‌نامه بدین قرار بود: «اگر جان شما در معرض خطر باشد و یا اقدامی علیه آبروی شما صورت گیرد، دولت اعلیٰ حضرت آماده است تا با همکاری دولت روسیه - تا زمانی که شما به شاه ایران وفادار باشید و تاجایی که برای آن‌ها مقدور باشد - از جان، خانواده و اموال شما حمایت نماید» (No.971, 9MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p598).

هم‌چنین در لندن به ظل السلطان گوشزد شد که هدف اصلی از بازگرداندن او، تضمین برقراری نظم و قانون در مناطق جنوبی ایران است و هیچ اقدام انتقام‌جویانه‌ای از سوی او، به‌ویژه علیه بختیاری‌ها، از سوی دولتین پذیرفته نیست. ظل السلطان در پاسخ گفت که هیچ خصوصی با بختیاری‌ها ندارد؛ البته از بریتانیا می‌خواهد که به‌طور متقابل به خان‌های بختیاری نیز هشدار داده شود (No.W.91972/16, 15MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, pp 558-560). براین اساس، منافع بریتانیا در ایران، هم‌چنان به روابط دوستانه این دولت با بختیاری‌ها وابسته بود. درعین حال، مصلحت این دولت ایجاب می‌کرد که حاکمی قدرتمند و درعین حال وابسته به بریتانیا در اصفهان و یا فارس منصوب شود.

## ۱۵. روابط ظل السلطان و بریتانیا پس از بازگشت به ایران

هم‌زمان با سفر ظل السلطان به ایران، از تهران خبر رسید که احمدشاه از بازگشت ظل السلطان ناخشنود است و اگر سفارتین او را منصرف نکنند از بازگشتش به ایران ممانعت می‌کند. وزیرمختار روسیه ابراز نگرانی کرد که در صورت تشکیل ارتش مسلح توسط ظل السلطان، عصبانیت شاه افزایش خواهد یافت (No.776, 26MAY1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p510-512).



مارلینگ در تبیین دلایل نارضایتی شاه از بازگشت ظل السلطان گزارش می‌دهد که مخالفان متفقین در دربار، و هم‌چنین رقیبان ظل السلطان از جمله کامران میرزا این‌طور به شاه تلقین کرده‌اند که دولتین در تلاش‌اند تا ظل السلطان را به سلطنت برسانند.<sup>۱</sup> این درحالی بود که پیش‌ازین، ظل السلطان به‌طور رسمی به‌عنوان فرماندار جدید اصفهان و جانشین سردار اشجع بختیاری معرفی شده بود (IOR/L/MIL/17/15/51, p271)؛ ولی به‌گزارش پرسی کاکس، خان‌های بختیاری از او خواسته بودند تا به وزیرمختار بریتانیا یادآوری کند که از نظر آن‌ها حکومت یکی از افراد خانواده ظل السلطان در اصفهان، پذیرفتنی نیست و او باید از نفوذ خود برای انتصاب فردی بی‌طرف در اصفهان استفاده کند (No.2476, 26MAY1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p329).

به‌باور دیپلمات‌های بریتانیا، بختیاری‌ها تا زمانی به آن‌ها وفادار می‌ماندند که بدانند بریتانیا بین آن‌ها و روسیه یا دیگر دشمنان آن‌ها ایستاده است؛ بنابراین اگر آگاه می‌شدند که بریتانیا قصد دارد نیروهایی را به‌کمک روسیه بفرستد تا ظل السلطان را به منصب فرمانداری برسانند، به دشمنی با بریتانیا برمی‌خاستند. همین دلیل باعث شد تا بریتانیا در ارسال نیرو تردید داشته باشد (IOR/L/MIL/17/15/28, p235).

ظل السلطان در اواخر ماه می ۱۹۱۶م / رجب ۱۳۳۴ق به پتروگراد رسید (No.317, 9JUL1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p488)؛ ولی مذاکرات ظل السلطان در پتروگراد، گلیه مارلینگ را برانگیخت؛ چراکه او در لندن اظهار داشته بود که خصومت گذشته خود با بختیاری‌ها را فراموش کرده‌است و قصد دارد این بار رفتاری دوستانه با آن‌ها داشته باشد. درحالی‌که بوکانن از پتروگراد خبر داد که ظل السلطان طی مذاکرات خود در روسیه، اظهار کرده‌است که هم‌چنان احساسات ضدبختیاری خود را حفظ کرده‌است. مارلینگ در نامه خود به بوکانن، ابراز نگرانی کرد که شاید این تضاد در صحبت‌های ظل السلطان، از روابط صمیمانه‌تر او با روسیه نسبت به بریتانیا ناشی باشد (20JUN1916, IOR/L/PS/10/299, p554).

سرانجام پس از سال‌ها کشمکش و بلا تکلیفی، ظل السلطان از روسیه راهی ایران شد و روز ۹ ژوئیه ۱۹۱۶م / ۸ رمضان ۱۳۳۴ق وارد تهران شد (No.441, 11JUL1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p482).

در اواخر ماه ژوئیه ۱۹۱۶م / رمضان ۱۳۳۴ق، به حاکمان کاشان، محلات، اصفهان، یزد، گلپایگان، خوانسار و کمره ارسال کرد، حکومت ولایات مذکور به تصمیم شاه و تصویب هیئت دولت، به ظل السلطان واگذار شده بود (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۶۱).

طبق گزارش مارلینگ، روسیه قرار بود دو‌یست نیرو در اختیار ظل السلطان قرار دهد؛ دولت ایران نیز تعدادی مشابه تدارک ببیند و خود او هم می‌توانست حدوداً چهارصد نفر گرد

۱. در ادامه متن به نامه چارلز مارلینگ خطاب به ادوارد گری مورخ ۲۶ اوت مراجعه کنید.



خود جمع کند (No.453, 12JUL1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p478). ولی بریتانیا هم چنان نگران نارضایتی بختیاری‌ها و برهم خوردن روابط دوستانه آن‌ها با بریتانیا بود؛ چراکه به خوبی می‌دانست بختیاری‌ها تا زمانی با بریتانیا همکاری می‌کنند که مانع از تسلط روسیه یا دشمنانشان از جمله ظل‌السلطان بر آن‌ها شود (مابری، ۱۳۶۹، ص ۲۵۴).

در اوت ۱۹۱۶/ شوال ۱۳۳۴ نیروهای عثمانی مجدداً وارد خاک ایران شدند و بار دیگر متفقین را با شرایطی دشوار روبه‌رو ساختند (باست، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶)؛ اتباع متفقین نیز به ناچار اصفهان و تهران را ترک کردند (مابری، ۱۳۶۹، ص ۲۶۰). در این زمان، شرایط متفقین در ایران بسیار شکننده شد. از یک طرف، با شکست روسیه از عثمانی در کرمانشاه، نیروهای روس عقب‌نشینی کرده بودند و از طرف دیگر آلمان‌ها تبلیغات و نفوذ خود را در بین بختیاری‌ها در ابعاد گسترده‌ای از سر گرفته بودند. مارلینگ در این شرایط نگران این موضوع بود که ارسال نیروی پشتیبان به غرب ایران برای حمایت از روس‌ها در برابر عثمانی، این تصور را برای بختیاری‌ها به وجود آورد که بریتانیا این نیروها را برای کمک به روسیه در انتصاب ظل‌السلطان اعزام کرده است و این تصور، در روابط بریتانیا با بختیاری‌ها اختلال ایجاد کند (مابری، ۱۳۶۹، ص ۲۵۵).

به گزارش مارلینگ، دشمنان بریتانیا و روسیه در کابینه، حمایت دو دولت از ظل‌السلطان را دستاویز قرار داده بودند و شاه را مجاب کرده بودند که ظل‌السلطان با کمک سفارتین قصد دارد به ایران بیاید و تاج و تخت را از چنگ او برآید (No.105, 26AUG1916, IOR/L/). مارلینگ هم چنین بیان می‌دارد که تحریکات آلمان‌ها در میان بختیاری‌ها نیز به این موضوع دامن زده بود و باعث شده بود بریتانیا و روسیه مسبب اصلی حضور دوباره ظل‌السلطان در ایران شناخته شوند و خشم خان‌های بختیاری برانگیخته شود. در شرایط موجود بازگشت ظل‌السلطان به عنوان فرماندار اصفهان، از نظر خان‌های بختیاری تهدیدی محسوب می‌شد (No.105, 26AUG1916, IOR/L/PS/10/584, File 475/1916, p92). گویی بخت هنوز با ظل‌السلطان یار نبود و اکنون که تا چند قدمی فرمانداری اصفهان رسیده بود بار دیگر اوضاع دگرگون شد و او را از آرزویش دور کرد. سرانجام با وجود ناامنی‌ها و شورش‌ها در اصفهان، دولت ایران پیشنهاد داد تا ظل‌السلطان از منصب فرمانداری و حتی از عزیمت به اصفهان انصراف دهد. مارلینگ نیز با این پیشنهاد موافق بود و استدلال می‌آورد که در وضعیت موجود، ظل‌السلطان قادر نیست اقدامی در جهت منافع بریتانیا انجام دهد و بازگشت او به اصفهان، تنها روابط بریتانیا را با خان‌های بختیاری دچار مشکل خواهد کرد. روسیه با منتفی شدن عزیمت ظل‌السلطان به اصفهان موافق نبود؛ ولی در شرایط موجود معتقد بود که این



عزیمت می‌تواند برای مدتی به تعویق بیفتد (No.576, 2SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p438). گری نیز اعلام کرد که در صورت انصراف ظل‌السلطان از منصب فرمانداری اصفهان، بریتانیا اعتراضی نخواهد داشت (No.410, 3SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p440).

موضوع مخالفت بختیاری‌ها به مرور جدی‌تر شد. دولت ایران تصمیم گرفت موقتاً فرماندار دیگری را به جای ظل‌السلطان در اصفهان منصوب کند. البته روسیه با این تصمیم مخالفت می‌کرد؛ چراکه پس از شورش‌های اخیر در اصفهان، روسیه بختیاری‌ها را دشمن خود محسوب می‌کرد (No.606, 12SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, pp 432-434). سرانجام در جمادی‌الاول ۱۳۳۴/مارس ۱۹۱۶، نیروهای روسیه وارد اصفهان شدند و محمود میرزا، فرزند ظل‌السلطان، به حکومت اصفهان منصوب شد (Walcher, 2008, p357)؛ ولی فرمان‌های حکومتی از مقرر نظامی روسیه در باغ هشت‌بهشت صادر می‌شد (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۰۳).

با بحرانی‌تر شدن اوضاع، نگرانی‌های بریتانیا نیز افزایش یافت. به عقیده مارلینگ، با بروز دشمنی بین بختیاری‌ها و بریتانیا، راه برای دسیسه‌چینی‌های بی‌پایان روسیه در میان این قوم باز می‌شد (No.611, 15SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p424). به عقیده دیپلمات‌های دفتر هندوستان نیز بزرگ‌ترین تهدید برای بریتانیا در اصفهان، به نیروهای آلمان، بختیاری و ترک معطوف می‌شد و در صورت غلبه این نیروها بر بریتانیا، نه تنها وجهه این دولت در خاورمیانه خدشه‌دار می‌شد، بلکه امنیت میدان‌های نفتی در جنوب ایران نیز به مخاطره می‌افتاد (IOR/L/MIL/17/15/28, p245).

مارلینگ ابراز نگرانی کرد که کنسول روسیه و فرمانده قوای روس، تاحدزیادی طبق توصیه‌های فرماندار اصفهان عمل می‌کنند و به آتش دشمنی با بختیاری‌ها بیشتر دامن می‌زنند (No.625, 20SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p416). فرماندار اصفهان در این زمان، فرزند ظل‌السلطان بود که ظاهراً دست‌نشانده روسیه بود و در جهت منافع این دولت پیش می‌رفت (رجایی، ۱۳۸۵، ص ۹۸). بر اساس گزارش بوکانن، وزیر مختار روسیه معتقد بود که یافتن فردی مناسب برای فرمانداری اصفهان بسیار مشکل است و اعمال هرگونه تغییری در ترکیب قدرت در این شهر، اشتباهی بزرگ خواهد بود (No.1469, 20SEP1916, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p418). به نظر می‌رسد فرماندار وقت اصفهان، مطابق میل روسیه عمل می‌کرده و این دولت به تعویض او در این زمان تمایلی نداشته است.

ولی نگرانی‌های بریتانیا بی‌دلیل نبود؛ چراکه در ماه سپتامبر ۱۹۱۶ م / ذی‌قعدة ۱۳۳۴ ق تعداد زیادی از بختیاری‌ها در اصفهان به حامیان آلمان پیوستند (ماپرلی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴).

۱. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.576, 2SEP1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p283.  
۲. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.606, 12SEP1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p253.  
۳. این سند در مرجع زیر نیز وجود دارد:  
No.611, 15SEP1916, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, p223.



بختیاری‌های مدافع آلمان، سرانجام در همین ماه با هدف حمله به اصفهان، به سمت این شهر حرکت کردند؛ ولی در حدفاصل نجف‌آباد و تیران، از نیروهای روسیه شکست خوردند و عده‌ای از آن‌ها کشته شدند و عده‌ای دیگر هم متواری شدند (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۹۸).

## ۱۶. حضور دوباره ظل‌السلطان در اصفهان

در ۱۲ اکتبر ۱۹۱۶م/ ۴ ذی‌حجه ۱۳۳۴ق، خبری غیرقابل انتظار از تهران به لندن رسید؛ مبنی بر اینکه ظل‌السلطان تهران را به مقصد اصفهان ترک کرده است (No.654, 2OCT1916, IOR/L/) در پی این اقدام، چند تن از خان‌های بختیاری به مارلینگ مراجعه کردند و نگرانی خود را از حضور ظل‌السلطان در اصفهان به او انتقال دادند. مارلینگ پس از این دیدار، در تلگراف خود به گری، پیش‌بینی کرد که در صورت وقوع درگیری در اصفهان، ظل‌السلطان از قوای روسیه کمک خواهد خواست. او برای پیشگیری از این واقعه، به صمصام‌السلطنه هشدار داد که ظل‌السلطان و اطرافیانش نباید تهران را برخلاف موافقت بریتانیا ترک کنند (No.668, 10OCT1916, IOR/L/PS/10/293,) (File 3276/1912-Pt 2, p408). تلگراف کاپتان نونل نیز حاکی از این بود که در صورت حضور ظل‌السلطان در اصفهان، کشمکش این دولت با روسیه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (No.5297, 16OCT1916, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, p622).

برخلاف مخالفت‌های بریتانیا، ظل‌السلطان در ۱۸ اکتبر ۱۹۱۶م/ ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۳۴ق با همراهی یک گروهان قزاق وارد اصفهان شد (IOR/L/PS/10/827, File 2297/1919, p318). همراهی گروهان قزاق با ظل‌السلطان نشان داد که حرکت او به سمت اصفهان، با پشتیبانی روسیه انجام شده است. تمبرد ظل‌السلطان از خواست بختیاری‌ها و حضور او در اصفهان، از سوی خان‌های این طایفه بدون پاسخ نمی‌ماند. آن‌ها در اولین اقدام، به تعدادی از روستاهای تحت تملک ظل‌السلطان یورش بردند و آن‌ها را غارت کردند (5APR1917, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, p241).

در میان مکاتبات انجام شده بین تهران و لندن، به ناگاه تلگرافی حامل خبری تکان‌دهنده از تهران مخابره شد. در این تلگراف به تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۱۸م/ ۲۴ رمضان ۱۳۳۶ق، مارلینگ خبر درگذشت ظل‌السلطان در اوایل صبح همان روز را به اطلاع گری رساند (No.598, 3JUL1918, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, p346).

بریتانیا تا این زمان تلاش داشت از مهره‌ای که از سیاست داخلی ایران کنار گذاشته شده بود، در جهت حفاظت از منافع خود بیشترین بهره‌برداری را بکند. این دولت به امید بازگرداندن این مهره به موقعیت پیشین خود به عنوان حاکمی مقتدر و وفادار در مناطق

۱. محتوای این سند، خطاب به دفتر امور هندوستان نیز ارسال شده است که در مرجع زیر قابل مطالعه است:  
No.5222, 11OCT1916, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, p600.



جنوبی ایران، هرآنچه از دستش برمی‌آمد انجام داد. بریتانیا در پس این اقدامات، تنها یک هدف را دنبال می‌کرد: صیانت از منافع تجاری و سیاسی‌اش در ایران. با فوت ظل‌السلطان اما، همه آن برنامه‌ها و نقشه‌ها بی‌اثر شده بود؛ بدون آنکه بریتانیا بتواند از سال‌ها تلاش و برنامه‌ریزی خود در این زمینه کمترین بهره‌ای ببرد.

بنابراین، حضور مجدد ظل‌السلطان در اصفهان، نه تنها منصب فرمانداری را برای او به‌ارمغان نیاورد، بلکه باعث شد بار دیگر شاهد غارت اموال خود باشد و ضرر و زیان مالی متحمل شود. بنابراین براساس اسناد بررسی‌شده در مقاله حاضر، ظل‌السلطان هرگز موفق نشد بعد از ورود به ایران بر مسند حکومت اصفهان بنشیند. هایدی والش نیز در فهرستی که براساس اسناد وزارت خارجه بریتانیا از فرمانداران اصفهان ارائه می‌دهد، نامی از ظل‌السلطان در این دوره به‌میان نمی‌آورد (Walcher, 2008, pp 356-357).

## ۱۷. نتیجه

در این پژوهش و بر مبنای اسناد وزارت خارجه بریتانیا نقش این دولت در حیات سیاسی ظل‌السلطان طی سال‌های اقامت او در اروپا بررسی و تبیین شد. مطالعات انجام‌شده، از موافقت‌ها و مخالفت‌های پی‌درپی بریتانیا با بازگشت ظل‌السلطان به ایران حاکی بود. از جمله دلایل موافقت بریتانیا با این امر، امید این دولت به حمایت ظل‌السلطان از منافع بریتانیا در مقام فرمانداری مقتدر در فارس یا اصفهان، جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمان در جنوب ایران، و نیز مقابله با اقدامات سلطه‌جویانه روسیه در این مناطق بود. ولی دلایل مخالفت بریتانیا، به‌شدت به تحولات سیاسی در ایران وابسته بود. در این میان، مخالفت شدید خان‌های بختیاری با بازگشت ظل‌السلطان را می‌توان عمده‌ترین دلیل حمایت‌نکردن بریتانیا از بازگشت ظل‌السلطان دانست. همان‌طور که اشاره شد، وفادار ماندن بختیاری‌ها به بریتانیا و حمایت آن‌ها از منافع این دولت، برای سیاست‌مداران انگلیسی با ارزش‌تر از آن بود که به هر قیمتی آن را به‌مخاطره اندازند. بر این اساس، بریتانیا به‌همراه روسیه، در راستای صیانت از منافع سیاسی و تجاری‌اش در ایران، سرنوشت ظل‌السلطان را در سال‌های تبعید او رقم زد و بازگشتش را به ایران تا سال ۱۹۱۸م/۱۳۳۶ق به‌تعویق انداخت.



منبع

۱. اسناد

۱.۱. اسناد منتشر نشده (مجلدات حاوی اسناد):

*Conventions and Correspondence Regarding Russia and Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/20/260, in QDL.

*Foreign Dept Memoranda of Information: Affairs in Persia and Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/R/15/5/9, File No.II/12, in QDL.

Gazetteer of Persia, Part III, Including *Fārs, Lūristān, Arabistān, Khūzistān, Yazd, Karmānshāh, Ardalān, Kurdistan*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/1, in QDL.

*German War: Persia; General Situation - 1916*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/493, File 3516/1914-Pt 18, in QDL.

*German War: Persia; General; Question of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/491, File 3516/1914-Pt 16, in QDL.

*History of the Great War based on Official Documents: Operations in Persia 1914-1919*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/28, in QDL.

*Memorandum of Information Received During the Month of August 1909, Relating to Affairs in Persia, and on the Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/25, in QDL.

*Persia*. BL: India Office Records and Private Papers, IOR/L/PS/10/197, File 6/1912 Parts 1-2, in QDL.

*Persia: Bakhtiari Affairs*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, in QDL.

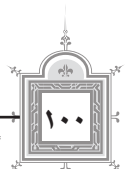
*Persia: Financial Situation, Loans*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/10, P.3.2410/1903, in QDL.

*Persia: Policy- 1916: The Proposed Treaty of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/584, File 475/1916, in QDL.

*Persia: Policy Anglo-Russian Relations*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914-Pt 1, in QDL.

*Persia: Situation in the South; Condition of the Roads. Attack on Mr Bill. Road Guard Scheme*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/163, File 948/1909, in QDL.

*Persia: Travel in South; Conditions on the Bushire-Shiraz Road; Russian Commercial Competition in South Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/299, File 352/1912, in QDL.



Persia: Zil-es-Sultan and his Son, Akbar Mirza. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, in QDL.

**Persia: Zil-es-Sultan.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, in QDL.

**Persia; Military Operations 1916; Sir P. Sykes' Mission.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/579/2, File 160/1916-Pt 2, in QDL.

**Persian Correspondence (1916-17).** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, in QDL.

**Persian Gulf Residency Monthly Reports. 1912-20.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/827, File 2297/1919, in QDL.

**Persia-Policy: British Interests in the South. Russian Policy.** BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/451/1, File 1187/1914-Pt 2, in QDL.

**Who's Who in Mesopotamia, General Staff, India.** BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/51, in QDL.

## ۲.۱. اسناد منتشر شده

کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. (جلدهای ۳، ۵). (۱۳۶۲). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نو.

کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. (جلدهای ۳، ۴). (ج ۲). (۱۳۶۳). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نو.

کتاب نارنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران. (ج ۲). (۱۳۶۶). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نور.

کتاب نارنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران. (ج ۱). (ج ۲). (۱۳۶۷). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نور.

معاصر، حسن. (۱۳۵۳). تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان. (ج ۲). تهران: ابن سینا.

## ۲- کتاب

اعتمادالسلطنه، محمدحسن صنیع الدوله. (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. (ج ۲). (ایچ افشار، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.

اُوژن بختیاری، ابوالفتح. (۱۳۴۶). تاریخ بختیاری. (ج ۲). تهران: بهار.





- باست، الیور. (۱۳۷۷). *آلمانی‌ها در ایران: نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول براساس منابع دیپلماتیک فرانسه*. (سیدحسین بنی‌احمد، مترجم). تهران: شیرازه.
- بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). *شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. (ج ۴). تهران: زوار.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۲۹). *انقلاب ایران*. (احمد پژوه، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: کانون معرفت.
- تیموری، ابراهیم. (۱۳۳۲). *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*. تهران: اقبال و شرکا.
- دانشور علوی (مجاهدالسلطان)، نورالله. (۱۳۳۵). *تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری*. (حسین سعادت نوری، حاشیه‌نویس). تهران: آژان.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. (ج ۳). (ج ۴). تهران: عطار.
- رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۵). *تاریخ مشروطیت اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- سایکس، پرسی. (۱۳۳۶). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس، یا، ده هزار میل در ایران*. (ج ۲). (حسین سعادت نوری، مترجم). تهران: ابن سینا.
- سپهر، مورخ الدوله. (۱۳۳۲). *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*. (ج ۲). تهران: ادیب.
- سرداراسعد، علی‌قلی خان؛ لسان‌السلطنه سپهر، عبدالحسین. (۱۳۷۶). *تاریخ بختیاری: خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیاری* (جمشید کیان‌فر، کوشش‌گر). تهران: اساطیر.
- سردارظفر. (۱۳۶۲). *یادداشت‌ها و خاطرات سردارظفر بختیاری*. تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).
- سردارمریم. (۱۳۸۲). *خاطرات سردارمریم بختیاری (از کودکی تا آغاز انقلاب مشروطه)*. (غلام‌عباس نوروزی بختیاری، ویراستار). تهران: آژان.
- سعادت نوری، حسین. (۱۳۴۷). *ظل السلطان*. تهران: وحید.
- سیاح، حمید. (۲۵۳۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. (ج ۲). (سیف‌الله گلکان، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- ظل السلطان، مسعودمیرزا. (۱۳۳۸). *خاطرات ظل السلطان*. (ج ۱ و ج ۲). (حسین خدیوچم، کوشش‌گر). تهران: اساطیر.
- عکاشه، اسکندرخان؛ ضیغم‌الدوله بختیاری. (۱۳۳۵). *تاریخ ایل بختیاری*. تهران: فرهنگ‌سرا.
- فووریه، ژوانس. (۱۳۳۶). *سه سال در دربار ایران: از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری*. (عباس اقبال آشتیانی، مترجم؛ همایون شهیدی، کوشش‌گر). تهران: دنیای کتاب.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱). (ج ۴). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۷۷). *تاریخ بیلاری ایرانیان*. (ج ۲). (ج ۵). تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد. (۱۳۵۳). *تاریخ مشروطه ایران*. (ج ۱). (ج ۶). تهران: امیرکبیر.
- گارثویت، جن راف. (۱۳۷۳). *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری (با استفاده از اسناد منتشرنشده وزارت خارجه انگلیس)*. (مهراب امیری، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: سهند.

مابریلی، جیمز فردریک. (۱۳۶۹). *عملیات در ایران: جنگ جهانی اول ۱۹۱۹-۱۹۱۴*. (کاوه بیات، مترجم). تهران: خدمات فرهنگی رسا.

ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۷۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. (ج ۶). تهران: سخن.

میرزائی دره‌شوری، غلام‌رضا. (۱۳۷۳). *بختیاری‌ها و قاجاریه*. شهرکرد: ایل.

### ۳- مقاله

ابطحی، سیدرسول؛ جعفری علی‌اکبر؛ نورائی، مرتضی. (۱۳۹۶). «مداخلات خارجی در اصفهان و پیامدهای اجتماعی آن در جنگ جهانی اول». *تاریخ ایران*، دوره ۱۰، ش ۳، صص ۱۰۳-۱۲۸.

جلالی، نادر. (۱۳۸۵). «سلطان بی تاج و تخت و انقلاب مشروطه». *نامه انجمن*، ش ۲۲، صص ۶۹-۹۲.

خدیری‌زاده، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «پیامد سیاست انگلستان بر انقلاب مشروطه ایران پس از قرارداد ۱۹۰۷». *پژوهش‌نامه تاریخ*، ش ۱۳، صص ۳۱-۴۶.

دهقان نیری، لقمان. (۱۳۸۰). «انجمن مقدس ملی اصفهان» و حکومت ظل‌السلطان در مشروطه اول.

فصل‌نامه *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۳۶ و ۲۷، صص ۳۹-۵۴.

رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۴). «سرگذشت ظل‌السلطان پس از مشروطیت». *مطالعات تاریخی*، ش ۱۰، صص ۶۸-۹۱.

فولادی، داراب. (۱۳۹۳). «بررسی مقایسه‌ای نقش روسیه و انگلستان در دو جنبش اجتماعی معاصر ایران: جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت». *علوم سیاسی*، ش ۳۰، صص ۳۵-۵۱.

کاردان، مهدی. (۱۳۸۴). «ظل‌السلطان و انقلاب مشروطیت». *حافظ*، ش ۱۷، صص ۲۵-۲۸.

### ۴- منابع لاتین

Garthwaite, Gene R. (1972). "The Bakhtiari Khans, the Government of Iran, and the British, 1846-1915". *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 3, No.1, pp 24-44.

Garthwaite, Gene R. (2009). *Khans and Shahs: A History of the Bakhtiari Tribe in Iran*. Cambridge: Cambridge University Press, Third Ed

Walcher, Heidi A. (2008). *In the shadow of the king: Zill al-Sultan and Isfahan under the Qajars*. London & New York: I.B. Tauris in association with the Iran Heritage Foundation.



## English Translation of References

### Unpublished documents (volumes containing documents)

*Conventions and Correspondence Regarding Russia and Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/20/260, in QDL.

*Foreign Dept Memoranda of Information: Affairs in Persia and Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/R/15/5/9, File No.II/12, in QDL.

*Gazetteer of Persia, Part III, Including Fārs, Lūristān, Arabištān, Khūzistān, Yazd, Karmānshāh, Ardalān, Kurdistān*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/1, in QDL.

*German War: Persia; General Situation - 1916*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/493, File 3516/1914-Pt 18, in QDL.

*German War: Persia; General; Question of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/491, File 3516/1914-Pt 16, in QDL.

*History of the Great War based on Official Documents: Operations in Persia 1914-1919*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/28, in QDL.

*Memorandum of Information Received During the Month of August 1909, Relating to Affairs in Persia, and on the Arabian Shore of the Persian Gulf*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/25, in QDL.

*Persia*. BL: India Office Records and Private Papers, IOR/L/PS/10/197, File 6/1912 Parts 1-2, in QDL.

*Persia: Bakhtiari Affairs*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/652, File 469/1917-Pt 1, in QDL.

*Persia: Financial Situation, Loans*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/10, P.3.2410/1903, in QDL.

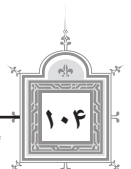
*Persia: Policy- 1916: The Proposed Treaty of Alliance*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/584, File 475/1916, in QDL.

*Persia: Policy Anglo-Russian Relations*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914-Pt 1, in QDL.

*Persia: Situation in the South; Condition of the Roads. Attack on Mr Bill Road Guard Scheme*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/163, File 948/1909, in QDL.

*Persia: Travel in South; Conditions on the Bushire-Shiraz Road; Russian Commercial Competition in South Persia*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/299, File 352/1912, in QDL.

*Persia: Zil-es-Sultan and his Son, Akbar Mirza*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-Pt 1, in QDL.



- Persia: Zil-es-Sultan*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2, in QDL.
- Persia; Military Operations 1916; Sir P. Sykes' Mission*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/579/2, File 160/1916-Pt 2, in QDL.
- Persian Correspondence (1916-17)*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/612, File 3360/1916-Pt 1, in QDL.
- Persian Gulf Residency Monthly Reports. 1912-20*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/827, File 2297/1919, in QDL.
- Persia-Policy: British Interests in the South. Russian Policy*. BL: IOR&PP, IOR/L/PS/10/451/1, File 1187/1914-Pt 2, in QDL.
- Who's Who in Mesopotamia, General Staff, India*. BL: IOR&PP, IOR/L/MIL/17/15/51, in QDL.

#### Published documents

- "Ketāb-e ābi: Gozāreš-hā-ye mahramāne-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engelis darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The blue book: Secret reports of the British Foreign Ministry on the Iranian Constitutional Revolution) (vols. 3 & 5). (1362/1983). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: No. [Persian]
- "Ketāb-e ābi: Gozāreš-hā-ye mahramāne-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engelis darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The blue book: Secret reports of the British Foreign Ministry on the Iranian Constitutional Revolution) (vols. 3 & 4) (2<sup>nd</sup> ed.). (1363/1984). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: No. [Persian]
- "Ketāb-e nārenji: Gozāreš-hā-ye siāsi-ye Vezārat-e Xāreje-ye Rusiye-ye Tezāri darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The orange book: Political reports of the Ministry of Foreign Affairs of Tsarist Russia about the Iranian Constitutional Revolution) (vol. 2). (1366/1987). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: Nur. [Persian]
- "Ketāb-e nārenji: Gozāreš-hā-ye siāsi-ye Vezārat-e Xāreje-ye Rusiye-ye Tezāri darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān"* (The orange book: Political reports of the Ministry of Foreign Affairs of Tsarist Russia about the Iranian Constitutional Revolution) (vol. 1) (2<sup>nd</sup> ed.). (1367/1988). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: Nur. [Persian]



Moaser, Hasan. (1353/1974). *“Tārix-e esteqrār-e mašrutīyat dar Irān, mostaxrejah az ruye asnād-e mahramāne-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engelestān”* (The history of the establishment of constitutionalism in Iran, extracted from the confidential documents of the British Foreign Ministry) (vol. 2). Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]

#### Books

Akasheh, Eskandar Khan; & Zeygham Al-Dowleh Bakhtiari. (1365/1986). *“Tārix-e il-e Baxtiyāri”* (History of Bakhtiari tribe). Tehran: Farhangsarā. [Persian]

Bamdad, Mehdi. (1347/1968). *“Šarh-e hāl-e rejāl-e Irān dar qorun-e 12, 13 va 14 Hejri”* (Dictionary of national biography of Iran) (vols. 1, 2, & 4). Tehran: Zovvār. [Persian]

Browne, Edward Granville. (1329/1950). *“Enqelāb-e Irān”* (The Persian revolution of 1905-1909). Translated & annotated by Ahmad Pajouh. Tehran: Kānun-e Maʿrefat. [Persian]

Bust, Olliver. (1377/1998). *“Ālmāni-hā dar Irān: Negāhi be tahavvolāt-e Irān dar jang-e jahāni-ye avval bar asās-e manāneʾ-e diplomātik-e Farānseh”* (Germans in Iran: A look at the development in Iran during the First World War with reference to French diplomatic sources). Translated by Seyyed Hossein Bani Ahmad. Tehran: Širā.zeh. [Persian]

Curzon, George Nathaniel. (1373/1994). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1) (4<sup>th</sup> ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ʿElmi Farhangi. [Persian]

Daneshvar Alavi (Mojahed Al-Soltan), Nurollah. (1335/1956). *“Tārix-e mašrute-ye Irān va jonbeš-e vatanparastān-e Esfahān va Baxtiyāri”* (Iran's constitutional history and Isfahan and Bakhtiari patriot movement). Annotated by Hossein Saadat Nouri. Tehran: Ānzān. [Persian]

Dolatabadi, Yahya. (1362/1983). *“Hayāt-e Yahyā”* (Yahya's life) (vol. 3) (4<sup>th</sup> ed.). Tehran: ʿAttār. [Persian]

Eʿtemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan Saniʾ Al-Dowleh. (1350/1971). *“Ruznāme-ye xāterāt-e Eʿtemād-os-Saltaneh”* (Journal of memories of Eʿtemad Al-Saltaneh) (2<sup>nd</sup> ed.). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]



- Feuvrier, Joannes. (1385/2006). "*Se sāl dar darbār-e Irān*" (Trois ana ala cour perse) [Three years at the Persian court]. Translated by Abbas Eghbal Ashtiani. Edited by Homayoun Shahidi. Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Garthwaite, Gene Ralph. (1373/1994). "*Tārix-e siyāsi ejtemā'ee-ye Baxtiyāri (bā estefādeh az asnād-e montašer-našode-ye Vezārat-e Xāreje-ye Engelis)*" (The Bakhtiari Khans: Tribal disunity in Iran, 1880 - 1915). Translated & annotated by Mehrab Amiri. Tehran: Sahand. [Persian]
- Garthwaite, Gene R. (2009). *Khans and Shahs: A History of the Bakhtiary Tribe in Iran* (3<sup>rd</sup> ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Kasravi, Ahmad. (1353/1974). "*Tārix-e mašrute-ye Irān*" (History of the Iranian constitutional revolution) (vol. 1) (6<sup>th</sup> ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Kermani, Nazem Al-Eslam. (1377/1998). "*Tārix-e bidāri-ye Irāniyān*" (The history of the awakening of Iranians) (vol. 2) (5<sup>th</sup> ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Malekzadeh, Mahdi. (1373/1994). "*Tārix-e enqelāb-e mašrutiyat-e Irān*" (The history of the constitutional revolution of Iran) (vol. 6). Tehran: Soxan. [Persian]
- Mirzayi Dareshouri, Gholamreza. (1373/1994). "*Baxtiyāri-hā va Qājāriyeh*" (Bakhtiari and Qajar). Šahr-e Kord: Il. [Persian]
- Moberly, Frederick James. (1369/1990). "*Amaliāt dar Irān*" (Operations in Persia, 1914-1919). Translated by Kaveh Bayat. Tehran: Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]
- Owjan Bakhtiari, Abolfath. (1346/1967). "*Tārix-e Baxtiyāri*" (History of Bakhtiari) (vol. 2). Tehran: Bahār. [Persian]
- Rajaei, Abdolmahdi. (1385/2006). "*Tārix-e mašrutiyat-e Esfahān*" (Isfahan constitutional history). Esfahān: Sāzmān-e Farhangi Tafrihi-ye Šahrdāri-ye Esfahān (Cultural Recreational Organization of Isfahan Municipality). [Persian]
- Saadat Nouri, Hossein. (1347/1968). "*Zell os-Soltān*" (Zell Al-Sultan). Tehran: Vahid. [Persian]
- Sardar As'ad, Ali Gholi Khan; & Lesan Al-Saltaneh Sepehr, Abd Al-Hossein. (1376/1997). "*Tārix-e Baxtiyāri: Xolāsat-ol-a'sār fi tārix-el-Baxtiyār*" (History of Bakhtiari: Summary of the ages in the history of Bakhtiari). Edited by Jamshid Kianfar. Tehran: Asātir. [Persian]



- Sardar Maryam. (1382/2003). "*Xāterāt-e Sardār Maryam-e Baxtiyāri (Az kudaki tā āqāz-e enqelāb-e mašruteh)*" (Memories of Sardar Maryam Bakhtiari (from childhood to the beginning of the constitutional revolution)). Edited by Gholam Abbas Nowrouzi Bakhtiari. Tehran: Ānzān. [Persian]
- Sardar Zafar. (1362/1983). "*Yāddāšt-hā va xāterāt-e Sardār Zafar-e Baxtiyāri*" (Notes and memories of Sardar Zafar Bakhtiari). Tehran: Yasāvoli (Farhangsarā). [Persian]
- Sayyah, Hamid. (2536/1957). "*Xāterāt-e Hāj Sayyāh yā dowre-ye xowf o vahšāt*" (The travel diaries of haj sayyah 1859-1877). Edited by Seifollah Golkar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 295/7225; 295/7294; 295/7436; 295/7482; 295/7984; 295/7985; 295/8016; 295/8041; 295/8076; 296/21686; 296/21725; 997/315. [Persian]
- Sepehr, Movarrekh Al-Dowleh. (1362/1983). "*Irān dar jang-e bozorg 1914 – 1918*" (Iran in the Great War of 1914-1918) (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Adib. [Persian]
- Sykes, Percy. (1336/1957). "*Safarnāme-ye Ženerāl Ser Persi Sāyks, yā, dah hezār mil dar Irān*" (Ten thousand miles in Persia) (2<sup>nd</sup> ed.). Translated by Hossein Saadat Nouri. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Teymouri, Ebrahim. (1332/1953). "*Asr-e bi xabari yā tārix-e emtiyāzāt dar Irān*" (The age of ignorance). Tehran: Eqbāl va Šorakā. [Persian]
- Walcher, Heidi A. (2008). In the shadow of the king: Zill al-Sultan and Isfahan under the Qajars. London & New York: I.B. Tauris in association with the Iran Heritage Foundation.
- Zell Al-Sultan, Mas'oud Mirza. (1368/1989). "*Xāterāt-e Zell os-Soltān*" (The memoirs of Zell Al-Sultan). Tehran: Asātir. [Persian]

## Articles

- Abtahi, Seyyed Rasoul; Jafari, Ali Akbar; & Nouraei, Morteza. (1396/2017). "Modāxelāt-e xāreji dar Esfahān va peyāmad-hā-ye ejtemāee-ye ān dar jang-e jahāni-ye avval" (Foreign interventions in Isfahan and its social consequences during World War I (1914 – 1918)). *Tārix-e Irān* (Journal of History of Iran), 10(3), pp. 103 – 128. [Persian]

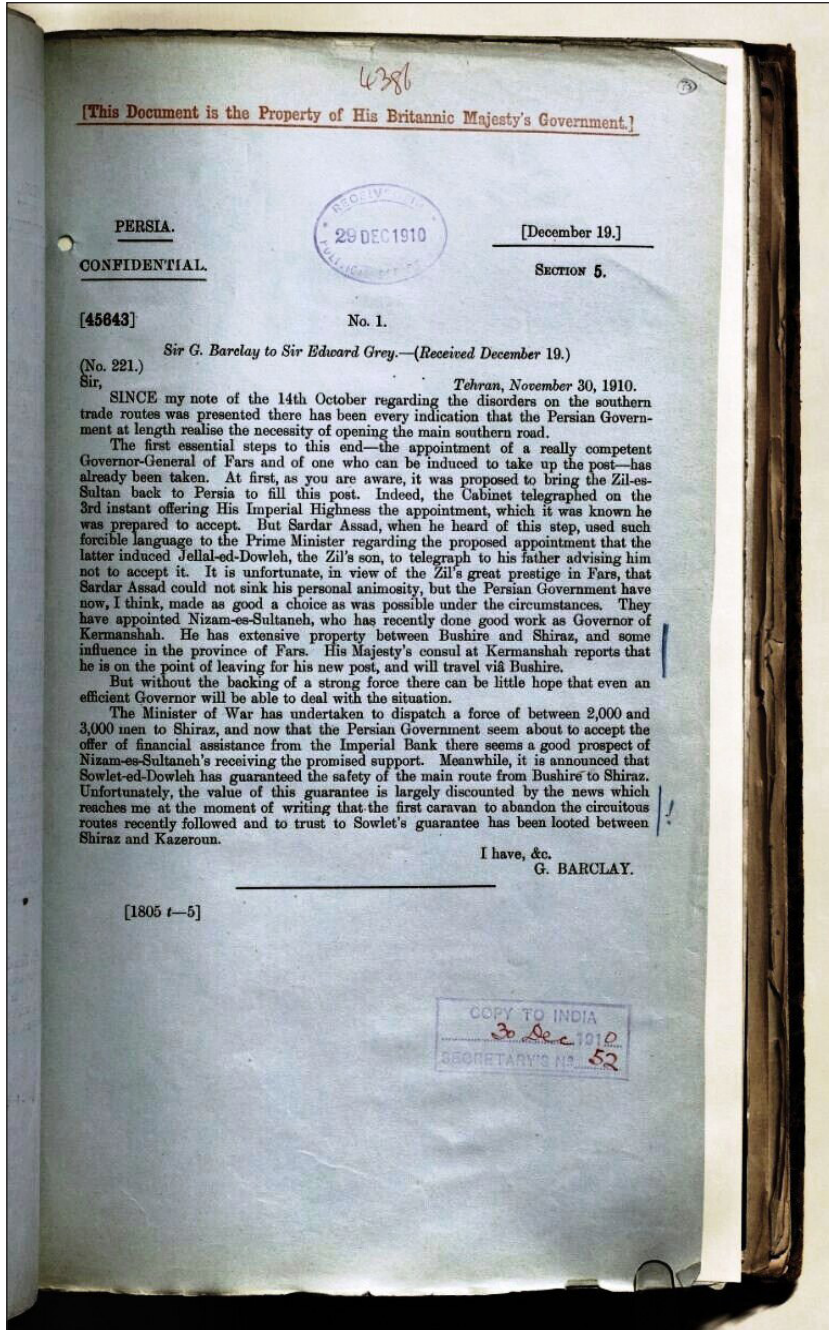


- Dehghan Nayyeri, Loghman. (1380/2001). “‘Anjoman-e Moqaddas-e Melli-ye Esfahān” va hokumat-e Zell-os-Soltān dar mašrute-ye avval” (Anjoman-e Moqaddas-e Melli Isfahan and the governorship of Zell-o-Soltan during the first session of Mashrootiyat). *Fasl-nāme-ye Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Esfahān* (Journal of the Faculty of Letters and Humanities University of Isfahan), 2(26 & 27), pp. 39 – 54. [Persian]
- Fouladi, Darab. (1393/2014). “Barresi-ye moqāyese-ee-ye naqš-e Rusiyeh va Engelestān dar do jonbeš-e eĵtemā’ee-ye mo’āser-e Irān: Jonbeš-e tanbāku va jonbeš-e mašrutiyat” (A comparative study of the role of Russia and England in two contemporary Iranian social movements: The tobacco movement and the constitutionalism movement). *‘Olum-e Siyāsi* (Political Science), 30, 35 – 51. [Persian]
- Garthwaite, Gene R. (1972). “The Bakhtiari Khans, the government of Iran, and the British, 1846-1915”. *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 3, No.1, pp 24-44.
- Jalali, Nadereh. (1385/2006). “Soltān-e bi-tāj-o-taxt va enqelāb-e mašruteh” (Uncrowned Sultan and the Constitutional Revolution). *Name-ye Anjoman*, 22, pp. 69 – 92. [Persian]
- Kardan, Mehdi. (1384/2005). “Zell-os-Soltān va enqelāb-e mašrutiyat” (Zel al-Sultan and the constitutional revolution). *Hāfez*, 17, pp. 25 – 28. [Persian]
- Khedrizadeh, Ali Akbar. (1387/2008). “Peyāmad-e siyāsat-e Engelestān bar enqelāb-e mašrut-ye Irān pas az qarārdād-e 1907” (The consequences of Eland policy at Constitutional Revolution of Iran after treaty 1907). *Pažuheš-nāme-ye Tārix* (History Research), 13, pp. 31 – 46. [Persian]
- Rajaei, Abdolmahdi. (1384/2006). “Sargozašt-e Zell-os-Soltān pas az mašrutiyat” (The story of Zel al-Sultan after constitutionalism). *Motāle’āt-e Tārixī*, 10, pp. 68 – 91. [Persian]





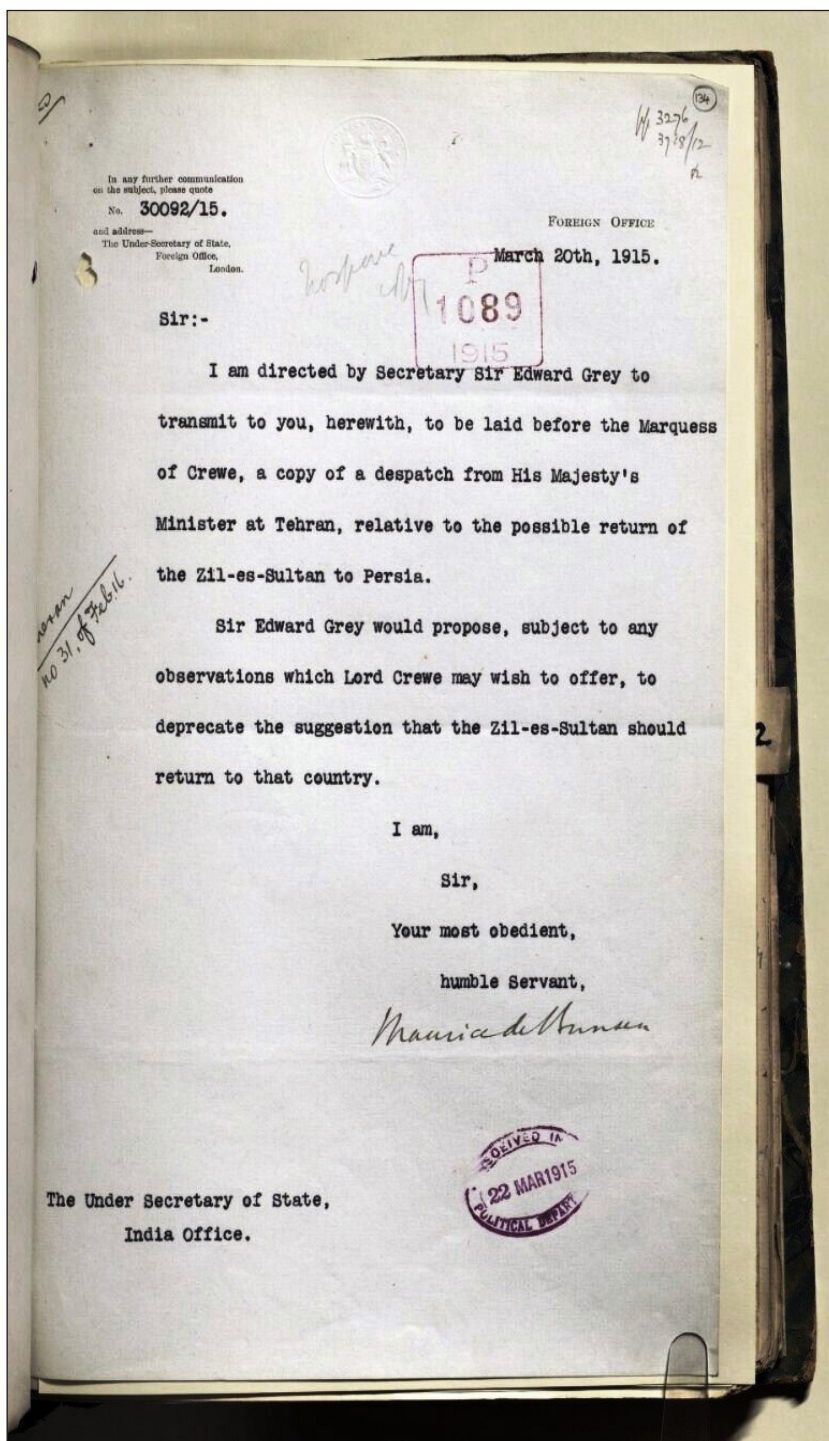
## پیوست ۱: چند نمونه از اسناد مورد بررسی



سند ۱

(No.221, 30NOV1910, IOR/L/  
PS/10/163, p148)

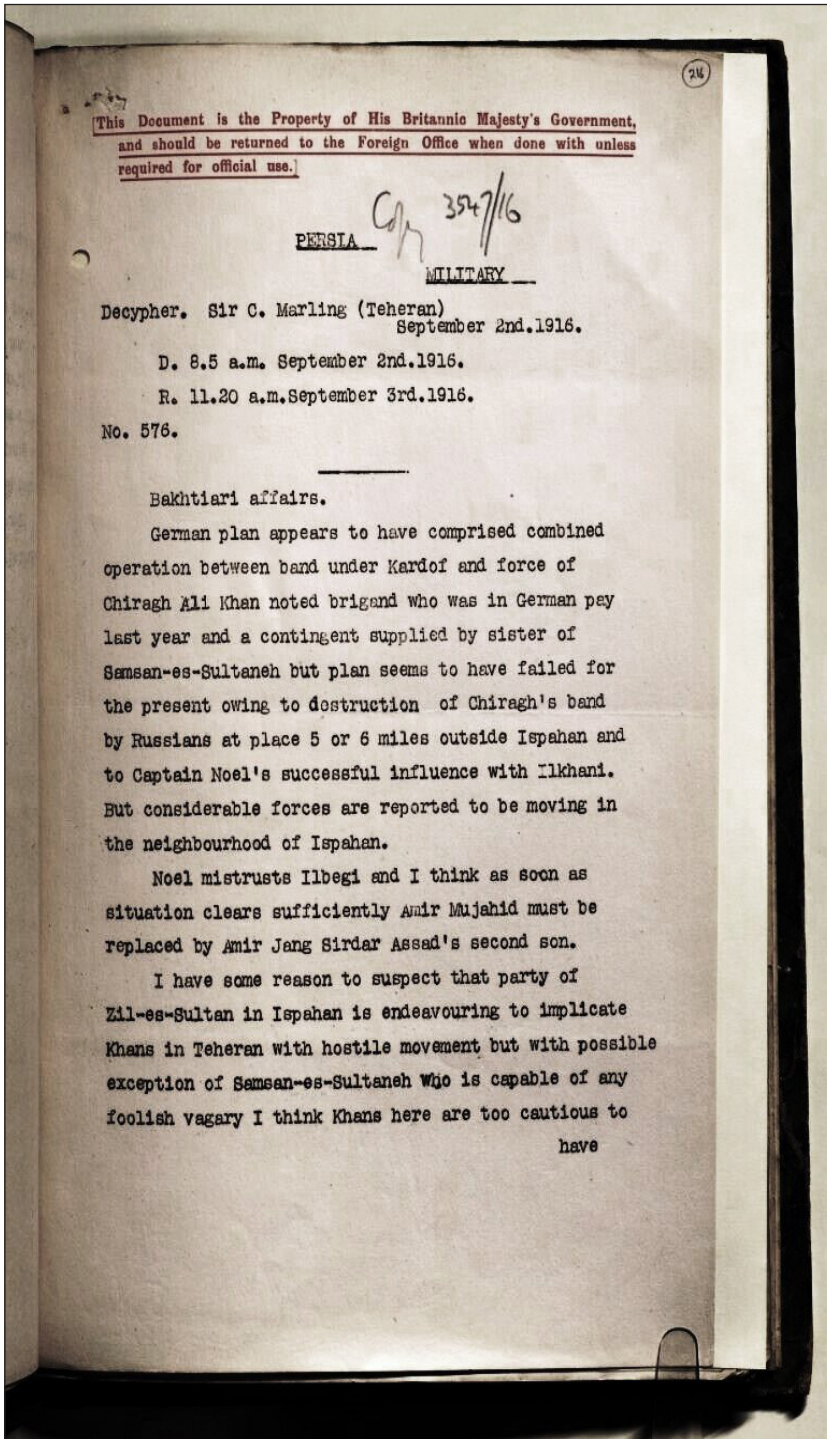




سند ۲

(No.30092/15, 20MAR1915,  
IOR/L/PS/10/293, File 3217/1912-  
Pt 1, p272)





This Document is the Property of His Britannic Majesty's Government,  
and should be returned to the Foreign Office when done with unless  
required for official use.

PERSIA

MILITARY

Decypher. Sir C. Marling (Teheran)  
September 2nd.1916.

D. 8.5 a.m. September 2nd.1916.

R. 11.20 a.m. September 3rd.1916.

No. 576.

Bakhtiari affairs.

German plan appears to have comprised combined operation between band under Kardof and force of Chiragh Ali Khan noted brigand who was in German pay last year and a contingent supplied by sister of Samsan-es-Sultaneh but plan seems to have failed for the present owing to destruction of Chiragh's band by Russians at place 5 or 6 miles outside Ispahan and to Captain Noel's successful influence with Ilkhani. But considerable forces are reported to be moving in the neighbourhood of Ispahan.

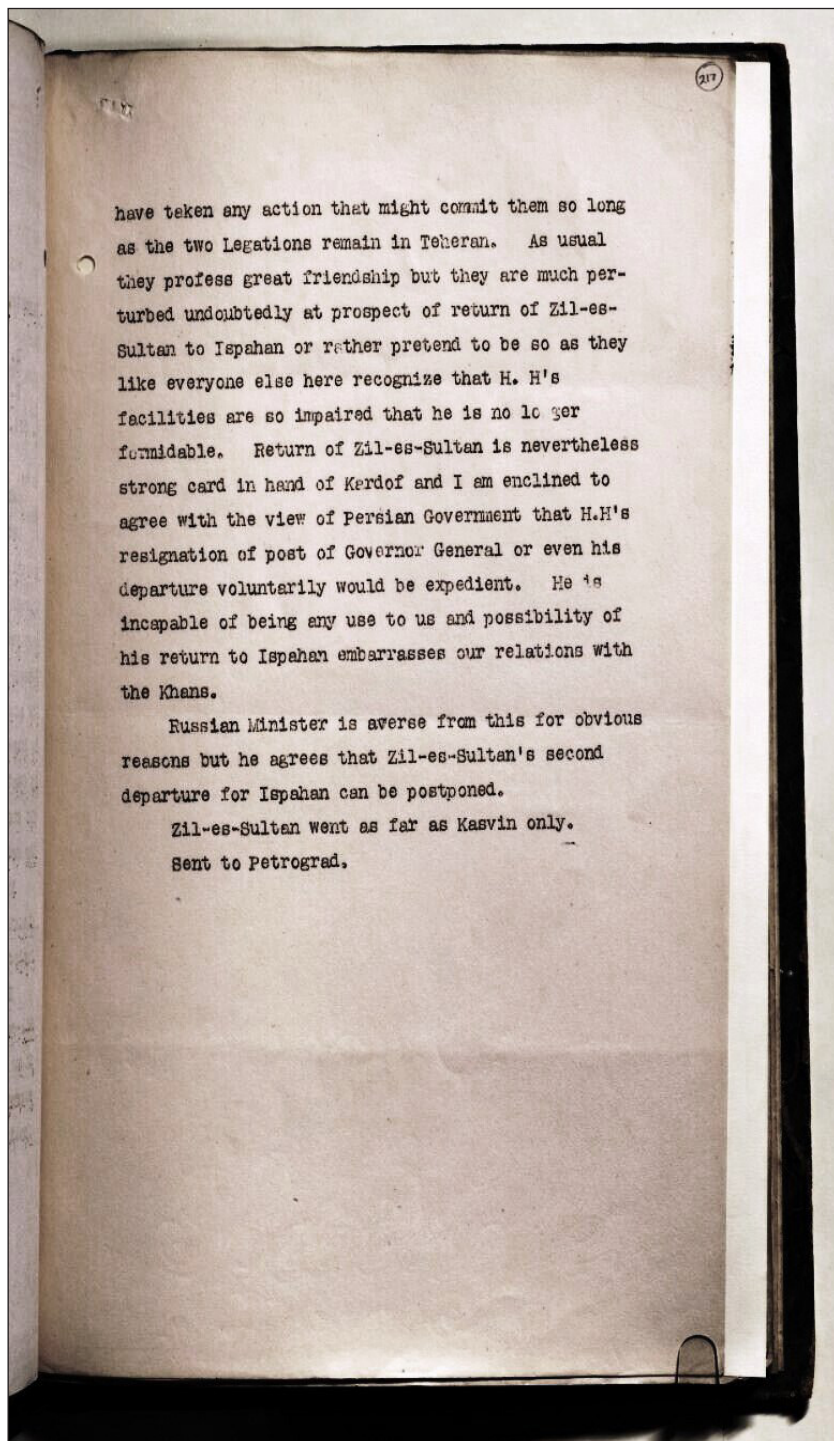
Noel mistrusts Ilbegi and I think as soon as situation clears sufficiently Amir Mujahid must be replaced by Amir Jang Sirdar Assad's second son.

I have some reason to suspect that party of Zil-es-Sultan in Ispahan is endeavouring to implicate Khans in Teheran with hostile movement but with possible exception of Samsan-es-Sultaneh who is capable of any foolish vagary I think Khans here are too cautious to have

سند ۳

(No.576, 2SEP1916, IOR/L/  
PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2,  
p436)





have taken any action that might commit them so long as the two Legations remain in Teheran. As usual they profess great friendship but they are much perturbed undoubtedly at prospect of return of Zil-es-Sultan to Ispahan or rather pretend to be so as they like everyone else here recognize that H. H's facilities are so impaired that he is no longer formidable. Return of Zil-es-Sultan is nevertheless strong card in hand of Kerfod and I am enclined to agree with the view of Persian Government that H.H's resignation of post of Governor General or even his departure voluntarily would be expedient. He is incapable of being any use to us and possibility of his return to Ispahan embarrasses our relations with the Khans.

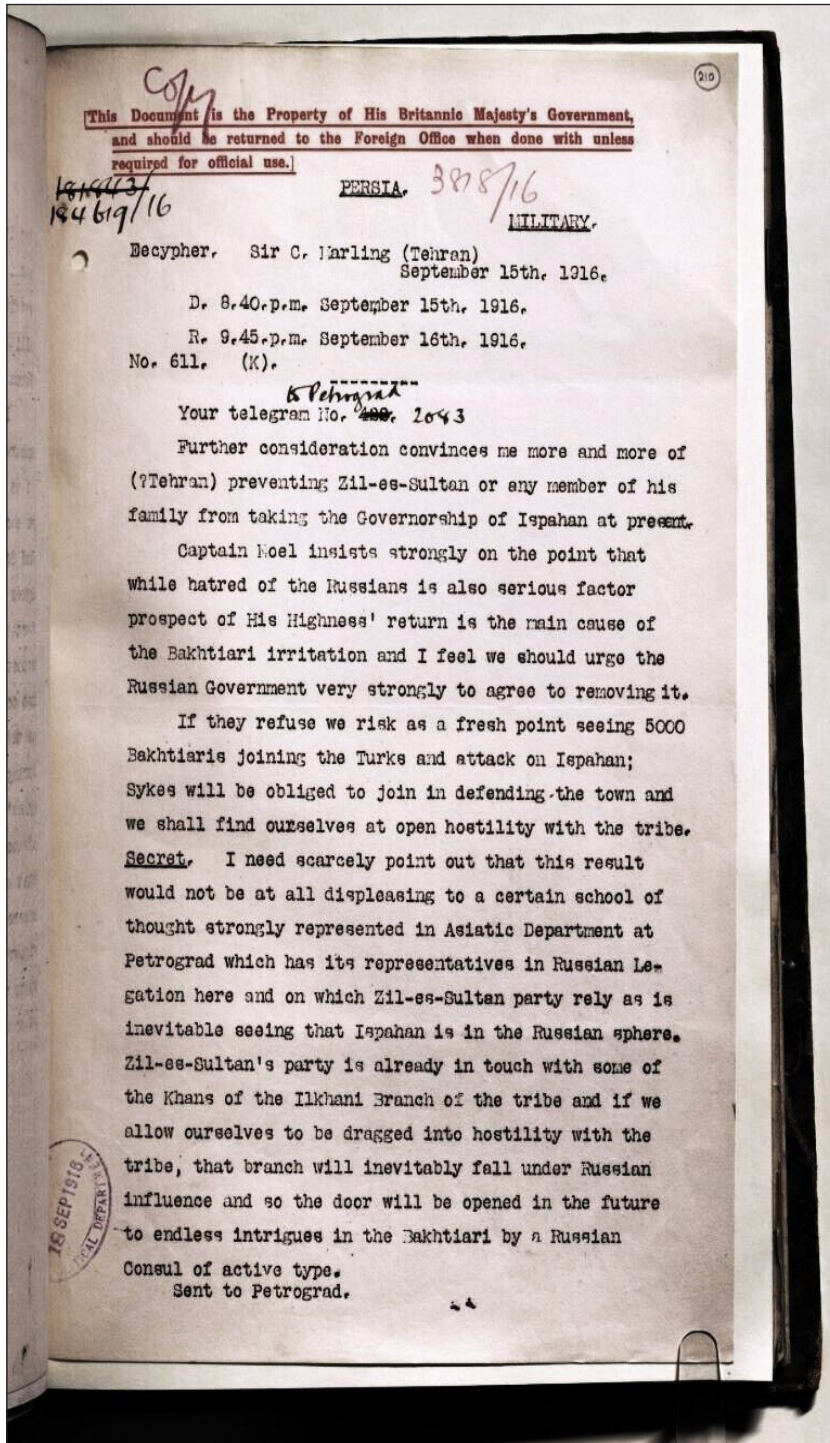
Russian Minister is averse from this for obvious reasons but he agrees that Zil-es-Sultan's second departure for Ispahan can be postponed.

Zil-es-Sultan went as far as Kasvin only.  
Sent to Petrograd.

### ادامه سند ۳

(No.576, 2SEP1916, IOR/L/  
PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2,  
p438)





سند ۴

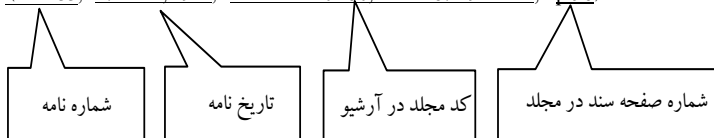
(No.611, 15SEP1916, IOR/L/  
PS/10/293, File 3276/1912-Pt 2,  
p424)



## پیوست ۲: نحوه ارجاع درون‌متنی به اسناد آرشیوی در این پژوهش

(۱) در صورتی که نامه رسمی و همراه با شماره و تاریخ باشد:

(No. 233, 17 AUG, 1914; IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914 Pt 1, p 96)



(۲) در صورتی که نامه غیر رسمی و فاقد شماره و تاریخ باشد:

(IOR/L/PS/10/450, File 1187/1914 Pt 1, p 96)



### پیوست ۲

نحوه ارجاع درون‌متنی به اسناد آرشیوی  
در این پژوهش

